

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب توده ایران در کارزار انتخاباتی برای تشکیل مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی، در این اقدام مهم برای دموکراسی و استقلال ایران، شرکت میکند

(صفحه ۲ - ستون سوم)

حزب توده ایران نامزدهای خود را برای نمایندگی در مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی (مجلس خبرگان) معرفی میکند

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب توده ایران، دفاعی زیرین را بعنوان نامزدهای خود برای نمایندگی در مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی (مجلس خبرگان) معرفی میکند:

- **نورالدین کیانوری** - دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- **احسان طبری** - عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- **محمدعلی عمولی** - عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- **عباس حجری** - عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- **صابر محمدزاده** - عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- **آصف رزم دیده** - عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- **انوشیروان ابراهیمی** - عضو هیأت سیاسی دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران - از آذربایجان
- **حسین جودت** - عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران - از آذربایجان
- **علی خاوری** - عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از خراسان
- **رضا شلتوکی** - عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از کرمانشاه
- **ابولراب باقرزاده** - عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - ازمازندران
- **علی لامعی** - مسئول سازمان حزب توده ایران در شهرستان بهشهر - ازمازندران

حزب توده ایران نامزدهای خود را برای برخی نقاط دیگر نیز بزودی اعلام خواهد کرد.

علاوه بر این، پس از آنکه همه احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی نامزدهای خود را اعلام کردند، حزب توده ایران از نامزدهایی که مشی سیاسی آنها در دفاع از دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران و گسترش آن، به مشی سیاسی حزب توده ایران نزدیک باشد، پشتیبانی خواهد کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
دوم مرداد ماه ۱۳۵۸

در صفحات بعد میخوانید:

ضدانقلاب در کردستان فعالیت خود را تشدید میکند

- من شاهد محاکمه ستوان شهید قبادی بودم (صفحه ۷ - ستون اول)
- بازهم درباره تشکیل دادگاههای رسیدگی به جرائم ضدانقلاب (صفحه ۴ - ستون سوم)
- مردم حق دارند واقعیات را بدانند (صفحه ۶ - ستون اول)
- هزاران ساواکی در میان مردم هستند، آنها را معرفی کنید! (صفحه ۲ - ستون اول)
- گشایش دفتر حزب توده ایران در آمل (صفحه ۷ - ستون پنجم)
- از قعر سکوتی به حجم فریاد - شعری از «شبنم» دوشیزه نایبای ۱۳ ساله (صفحه ۸ - ستون اول)

مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

این شماره: ۱۲ صفحه

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۴
چهارشنبه ۳ مرداد ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به همه مردم ایران، به همه سازمانها و گروههای هوادار انقلاب، به شورای انقلاب و دولت موقت، به رهبر انقلاب امام خمینی

خطر بسیار جدی دستاورد های انقلاب

را تهدید میکند

تنها عمل متحدهمه نیروهای میهن-دوست، ضد امپریالیست و آزادیخواه میتواند این دسیسه ها را نقش بر آب کند

امپریالیستهای امریکائی، صهیونیستها و وابستگان رژیم شاه مخلوع در تمام جبهه ها مشغول دسیسه اند.
متن کامل نامه سرگشاده در ۳ صفحه امروز (صفحات ۳ تا ۵ مکرر)

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به نخست وزیر، دادستان دادگاههای انقلاب، رئیس کمیته مرکزی امام

تحریکات ضدانقلاب علیه حزب توده ایران

(صفحه ۳ - ستون چهارم)

برای شناخت جامعه کشور ما

چند مقاله تحت این عنوان کلی، حاوی یک سلسله اندیشه های انقلابی در مورد جامعه ایران در گذشته و حال، نوشته احسان طبری، برای نخستین بار در «مردم» نشر مییابد.
ما توجه خوانندگان را باین نوشته، که کوششی است برای کاربرد خلاق تئوری انقلابی بر بافت اجتماعی ما، جلب میکنیم.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

هزاران ساواکی در میان مردم هستند آنها را معرفی کنید!

هنوز معلوم نیست چرا لیست هزاران مامور ساواک، که بدست آمده، منتشر نمیشود.
ماموران ساواک در مطبوعات علیه انقلاب توطئه میکنند و وزارت ارشاد ملی از افشای نامشان خودداری میکند.

دست خونیون ساواک همچنان بر سر نوشت مردم ایران چنگ انداخته است. هزاران مزدور ساواکی در سراسر ایران در کار توطئه هستند تا صفوف خلق را از هم جدا کنند، آنها را بجان هم بیاندازند، آتش جنگ بیا فروزند، تخم یاس و بدبینی بکارند... متأسفانه باید گفت که هرچه اینان بیشتر به تلاش خود میافزایند، ارگانهای انقلاب از بهر یادن به این دشمنان سوگند خورده مردم ایران خودداری نمیکند. ساواکی‌ها می‌تازند، ارگان‌های انقلاب کوتاه می‌آیند.

خوبان خود را دوباره پیش‌نویس قانون اساسی، ضمن سند کمیته مرکزی حزب و ضمن مقالات تفصیلی منتشره در ارگان مرکزی حزب، بیان داشته‌ایم. حزب توده ایران تنها سازمان سیاسی وجود است که به شکل منظم و با صراحت و دقت، نظر خویش را درباره نکت مختلف پیش‌نویس قانون اساسی ارائه داده است.

متأسفانه این عمل از طرف سازمانهای دیگر انجام نگرفته و به موجب مردم ایران، در آستانه انتشار نامیدگان مجلس خبرگان، نمایندگان کسانی را که انتخاب میکنند، در کدام موضع فکری نسبت به پیش‌نویس قانون اساسی قرار دارند و در مجلس آینده باین پیش‌نویس چگونه برخوردی خواهند داشت.

ارزبانی کلی ما درباره این پیش‌نویس آنست که، این سند (که بعنوان زمینه و پایه بحث رضایت بخش است) باید در جهت انقلاب، خلقی و خدام امپریالیستی بهبود یابد، تکمیل شود و نقائص آن بر طرف گردد.

مردودین حال، طی نامی سرگشته‌ایم که برای این بیک نظر مشترک در راهی سیاسی خواستار شدیم که برای این بیک نظر مشترک در مورد پیش‌نویس و بیک روش مشترک در انتخابات مجلس خبرگان، برخورد مشورتی انجام گیرد. متأسفانه باین پیشنهاد توجهی نشده.

حزب توده ایران برای شرکت مجدد در انتخابات مجلس خبرگان، در نقاط معینی از کشور نامزدهای خود را معرفی میکند، و در عین حال از آن نامزدهای پشتیبانی خواهد نمود، که بر اساس سوابق مبارزاتشان، میتوان باین نتیجه رسید که پیش‌نویس قانون اساسی از دیدگاه نادرست و ارتجاعی برخورد نخواهند کرد.

پشتیبانی حزب ما از نامزدهای سازمانها و گروههای سیاسی دیگر، باید در یک نظر تلاشی مشخص ما برای وحدت عمل نیروهای مترقی و انقلابی، در راه ایجاد یک نظام خلقی و آزاد در کشور ما و تبدیل شدن آن به یک کشور پیشرفته و پیشرو باشد.

حزب توده ایران فهرست نامزدهای انتخاباتی را در سند جداگانه‌ای نشر خواهد داد.

نامزدهای انتخاباتی حزب از میان کارگران و روشنفکران سرشناس و مبارزی تعیین شده‌اند که هر یک پیشینه

رئیس ساواک منحله آستارا است و در گروه فراق فالت میزند. این اعتراف واقعیت غیر قابل رد و باستیکی گروه فراق را به ساواک بازم تأیید میکند.

سازمان مجاهدین خلق ایران در اعلامیه‌های خبر از دستگرفرد مشکوک می‌دهند که در اطراف این سازمان سروکوش آب می‌دهند است. این شخص، که به احتمال زیاد ساواکی بوده، تئوید کلاتری داده شده است. سرپرست کمیته مرکزی نامش هم از نفوذ ساواکیها در کمیته‌ها خبر می‌دهد.

متأسفانه باید گفت که در مقابل این همه نشانه‌های غیر قابل رد، مقامات مسئول نه تنها احساس مسئولیت کافی نمی‌کنند، بلکه بنا بر اعتراف صریح داوستان انقلاب، ساواکی‌ها دستگیر شده را هم آزاد میکنند و به میان فرستند، مردمی که حداقل خواستار شفافیت‌های ساواکیها در ارگانهای مختلف هستند، تا دامهای آنها را بی‌اثر کنند. بازپرس انقلاب هم این خواست را در نامه خود تأیید میکند و می‌نویسد:

«مهمترین مسأله ایست که مردم نمیدانند منابع ساواک که هستند؟ و پیشنهاد میکنند، «جزئیات مربوط به ساواک و منابع ساواک» که بازوی ساواک بودند. در روزنامه‌ها چاپ شود و اسامی این افراد را در اختیار مردم بگذارید تا همه ارگانهای انقلاب از خطر نفوذ این عناصر خود فریاد کنند. مصون و محفوظ بمانند. این پیشنهادها که میخواند منابع این ساواک را رسوا و مانع فعالیت آنها حداقل بطور عینی... بود، مورد تأیید همه کسانی است که اکنون ساواک، بزرگترین بزرگترین چنگ انداخته است. مثلاً کارکنان سازمان آب در دامهای ساواکیها.

«اینک که ششماه از انقلاب شکوهمند مردم ایران میگذرد، این عناصر تا باب همچنان بکار خود ادامه داده و به نفع و خیرات مشغولند و این بار با نقاب‌های چپ و راست، مسلمانان راستین و مبارزان پایمان را ماتم به ضد انقلاب می‌انیدند. ما از نخست‌وزیری خواستاریم که در اسرع وقت اسامی عوامل ساواک در سازمان آب را

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب توده ایران در کارزار انتخاباتی برای تشکیل مجلس بررسی نهایی پیش‌نویس قانون اساسی، در این اقدام مهم برای استقلال ایران، شرکت نمیکند.

هوطنان عزیز! رفقای حزبی!

کارزار انتخاباتی برای مجلس بررسی نهایی پیش‌نویس قانون اساسی (مجلس خبرگان) آغاز شده است. حزب ما از نظر امام خمینی درباره ضرورت تشکیل هر چه سرپرست مجلس خبرگان پشتیبانی کرد، زیرا مانند وی معتقد است که تصویب هر چه زودتر قانون اساسی، برای تثبیت رژیم جمهوری اسلامی، یک امر حیاتی و تاریخ‌ناپذیر است.

ما نظر خود را درباره پیش‌نویس قانون اساسی، ضمن سند کمیته مرکزی حزب و ضمن مقالات تفصیلی منتشره در ارگان مرکزی حزب، بیان داشته‌ایم. حزب توده ایران تنها سازمان سیاسی وجود است که به شکل منظم و با صراحت و دقت، نظر خویش را درباره نکت مختلف پیش‌نویس قانون اساسی ارائه داده است.

متأسفانه این عمل از طرف سازمانهای دیگر انجام نگرفته و به موجب مردم ایران، در آستانه انتشار نامیدگان مجلس خبرگان، نمایندگان کسانی را که انتخاب میکنند، در کدام موضع فکری نسبت به پیش‌نویس قانون اساسی قرار دارند و در مجلس آینده باین پیش‌نویس چگونه برخوردی خواهند داشت.

ارزبانی کلی ما درباره این پیش‌نویس آنست که، این سند (که بعنوان زمینه و پایه بحث رضایت بخش است) باید در جهت انقلاب، خلقی و خدام امپریالیستی بهبود یابد، تکمیل شود و نقائص آن بر طرف گردد.

مردودین حال، طی نامی سرگشته‌ایم که برای این بیک نظر مشترک در راهی سیاسی خواستار شدیم که برای این بیک نظر مشترک در مورد پیش‌نویس و بیک روش مشترک در انتخابات مجلس خبرگان، برخورد مشورتی انجام گیرد. متأسفانه باین پیشنهاد توجهی نشده.

حزب توده ایران برای شرکت مجدد در انتخابات مجلس خبرگان، در نقاط معینی از کشور نامزدهای خود را معرفی میکند، و در عین حال از آن نامزدهای پشتیبانی خواهد نمود، که بر اساس سوابق مبارزاتشان، میتوان باین نتیجه رسید که پیش‌نویس قانون اساسی از دیدگاه نادرست و ارتجاعی برخورد نخواهند کرد.

پشتیبانی حزب ما از نامزدهای سازمانها و گروههای سیاسی دیگر، باید در یک نظر تلاشی مشخص ما برای وحدت عمل نیروهای مترقی و انقلابی، در راه ایجاد یک نظام خلقی و آزاد در کشور ما و تبدیل شدن آن به یک کشور پیشرفته و پیشرو باشد.

حزب توده ایران فهرست نامزدهای انتخاباتی را در سند جداگانه‌ای نشر خواهد داد.

نامزدهای انتخاباتی حزب از میان کارگران و روشنفکران سرشناس و مبارزی تعیین شده‌اند که هر یک پیشینه

بزرگی از فعالیت‌های سیاسی دارند و بدین سبب در محیط خود مورد احترام عمومی هستند.

زندگی نامه این نامزدها، نبرد طولانی و پرحادثه و پر فراز و نشیب از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در طول دهه‌های گذشته، نشان دهنده پهلوی و ایثار بدون توقع آنها در راه مردم ایران، در راه آزادی و برپایی دین و مذهب است. آنها را نشان می‌دهد. ما از کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران، بازرگانان، مهندسان، دانشمندان، جوانان، از همه مردم ایران، از زن و مرد، از همه کسانی که دارای شرایط انتخاب کردن هستند، دعوت می‌کنیم:

● به نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان رای دهید!

● مطمئن باشید که آنها پیگیر ترین سخنگویان منافع شما در این مجلس خواهند بود،

● مطمئن باشید که آنها همیشه به منافع خلق، به استقلال و دموکراسی ایران، چنانکه زندگی آنها نشان میدهد، وفادار خواهند بود و از استقلال و دموکراسی ایران دفاع کرده و خواهند کرد.

● حزب توده ایران را، علیرغم کارزار بهتان و افتراء دشمنان و مخالفان، با رای خود همه جانبه تقویت کنید.

ما از رهبری انقلاب، از شورای انقلاب و از دولت خواستاریم، موافق وعده‌های که داده‌اند، موافق موازین آزادی و دموکراسی، از حقوق همه سیاسی و مدنی حزب ما برای شرکت آزادانه در انتخابات، استفاده آزادانه از رای و پولتویون، استفاده آزادانه از مطبوعات، حرکت آزادانه در کشور و غیره دفاع کنند و به ضد انقلاب اجازه ندهند که با ایجاد فضای ارعاب و تهدید و افتراء و دشنام مانع تحقق این حقوق ما از تمام سازمانها و گروههای سیاسی موجود، از همه مطبوعات توقع داریم، با احترام حقوق دمکراتیک که برای خود قائلند، به حقوق دمکراتیک حزب ما احترام بگذارند، چنانکه ما بنوبه خود با بی‌گرمی کامل به حقوق دمکراتیک آنها احترام می‌گذاریم.

● مردم ایران! در انتخابات مجلس خبرگان، به نامزدهای حزب توده ایران، بعنوان بی‌گرمترین مدافعان منافع مردم، رای دهید!

کمیته مرکزی حزب توده ایران تهران - اول مرداد ۱۳۵۸

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

- سپاسگزاریم (مجموعی رفقا و دوستان سپاسگزاریم) ۴۰۰۰۰ ریال
- کروه خرم آباد ۲۰۰۰۰ ریال
- الله‌صمد انصاری ۵۰۰۰ ریال
- اخگر از ساری ۱۰۰۰۰۰ ریال
- مریبه لطفی بهرود از ارسن ۱۰۰۰ ریال
- بهاره تمالی ۱۰۰۰ ریال
- خانم فرانک ۵۰۰۰
- آکین آقاخان ۱۰۰۰
- عده‌ای از کارگران چاپ‌ساز و بلور فروش بازار الف و ب (زوجی که هزینه عروسی خود را به حزب داده است) ۲۰۰۰
- خواهر عروسی و برادر داماد و فرزندان آنها، که هدیه عروسی را به حزب داده‌اند ۱۰۰۰۰۰

اعلام نماید تا دیگر نتوانند با ماسک‌های انقلابی به اعمال ضد انقلابی بپردازند.
برغم این خواست مردم، معلوم نیست دولت چرا درصدد «حفظ آزادی» خود فروخندگان ساواک قدم بر میدارد. در حالیکه اسامی رمز کلمه ماموران ساواک بدست آمده است، از معرفی آنها خودداری میشود. ماموران ساواک بدون ذکر نشانیان آزاد میشوند و وزارت ارشاد ملی نه تنها اسامی ساواکی‌های مطبوعات را منتشر نمیکند، بلکه معاون وزارت ارشاد ملی، هنگام افشای فعالیت‌های انقلاب در مطبوعات، از افشای نام ساواکی‌هایی که سرگرم زهر پاشی توسط مطبوعات هستند، خودداری می‌ورزد.

حزب توده ایران وظیفه خود میداند که یک بار دیگر همدار باشد، ساواک سرگرم بازسازی ارگانهای خود است. این خطر بزرگی برای انقلاب ایران است. مقابله با ضد انقلاب قاطعیت می‌طلبد. سرنوشت یک انقلاب در میان است. این شوخی نیست. هزاران ساواکی آزادانه در میان مردم میگردند. آنها را معرفی کنید و آنگاه هر مزدور شاه خائن را به فرآخور جرم‌ش مجازات کنید!

بقیه از شماره پیش

آنتی کمونیسم

نمونه روشن افلاس ایدئولوژی

بورژوازی است

کاخ قدرت رضاشاهی در یک چشم برهم‌زدن فرو ریخت و دچار برنوشت محبوم‌ها در زمین دست‌نشانده و ضد مردمی گشت. پسرش محمد رضا بجای پدر برار یک سلطنت نشست (۱۳۲۰ - ۱۳۵۷). دوران سلطنت محسوس این‌گر که زاده مشحون است از جنایات و خیانت و آدمکشی و غارت ثروت‌های ملی کشور. او در قتل و کشتار مردم بیگناه و چاقول بیت‌المال دست‌باز در ازبخت بست. در دوران او وضع بگونه‌های دیگر بود. مردم ایران بیدار شده و بی‌اختیاسته بودند.

حزب و گروههای سیاسی مدافع منافع ملی تشکیل شده بود. حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، قدرت بی‌سابقه‌ای کسب کرده بود. جنبش ملی کردنیخت ایران بر رهبری شادروان‌دکن محمد مصدق پیروز گشته و دست امپریالیسم از منابع ثروت کشور در تصرف خارج شدن بود.

اوج جنبش، محمد رضا را مجبور به فرار کرد. ولی امپریالیسم به این سادگی دست از ایران برنمی‌داشت. ارباب جدید امپریالیسم امریکه که تاکنون در ایران با تصدیق کثرت‌ارزده و چاپش را می‌گرفت، به یاری و ارتخاندان دست پرورده شتافت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را برآورد و تا مدت‌ها شاه فراری را به ایران بازگرداند.

محمد رضا، همچو گرگتین خورده، کین توز و فضیلت‌گرا باره به تخت نشست. این بار دیگر او جان و مال و تخت و تاج و تمام موجودیتش در مرز امپریالیسم و در درجه اول امپریالیسم امریکه بود.

تا بر این حد رسیده است، او صافانه و بی‌چراغانه به سر می‌ماند. او در انجام وظیفه چاکرکی نه فقط ثروت‌های مادی و ذخایر مالی بلکه معنویات خلق ما را در طبق اخلاص نهاد و تقدیم ارباب کرد و با انکاء باغی بر روی، به هر جنایت و خجانتی دست‌نزد. در کارنامه سیام‌دوران اختناق محمد رضا شاهی، «آنتی کمونیسم» جای برجسته‌ای دارد. او در بکار بردن سیاست ضد کمونیستی در زمینه‌های مختلف، از دایره اقدامات پدرش فراتر نهاد. او ایران را، با پول ایرانی و با برسر تل ایرانی، به پایتگاه نظامی و جاسوسی امریکه علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی مبدل کرد. ارتش ایران را بصورت ژاندارم منطقه درآورد و با مداخله نظامی به سرکوب جنبش‌های آزاد بخوانه در منطقه پرداخت.

هدف او از همه اینها مبارزه با کمونیسم بود و در همه‌جا او از دخطر کمونیسمه سبحت می‌کرد. میلیون آنتی کمونیسم از یک سو و سوسیالیسم از سوی دیگر، با تبلیغ نظریه امپریالیستی - ما تویستی (دو برابر قدرت) که فاقد هر گونه پایه علمی و طبقاتی است، کمونیسم و اتحاد شوروی را در انتظار مردم بی‌اعتبار کنند و از سوی دیگر با انتشار «خطر کمونیسم»، سواست خریدهای کلان اسلحه و نظامی کردن کشور را، که بزبان مردم ایران بود، توجیه نمایند.

کمیته که امروز از جنایات و فجایعی که بدست ساواک طی مدت بیست سال فسادت این دستگاه افسرین در کشور ما بوقوع پیوست، با خبر نباشد؛ و کمیته که نداند که هدف این دستگاه شکنجه و کشتار، که در ارتباط نزدیک با سیاست و مواضع فعالیت میکند، در درجه اول مبارزه با کمونیسم و اجرای سیاست ضد کمونیستی امپریالیسم و صهیونیسم در ایران بود؛

تیکلی از جنبه‌های مهم آنتی کمونیسم در کشورهای نظیر ایران، تبلیغ و ترویج شیوه زندگی غربی بود. شاه مخلوع تمام کوشش خود را در این راه مصروف میداشت. او ایران را از هر لحاظ - معنوی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - تابع غرب امپریالیستی و وابسته به آن نموده بود. او با نقشه مین این کار را می‌کسر و در حالیکه سالانه صد ها هزار نفر، از دانش‌آموز و دانشجو گرفته تا کارمندان دولت و افسر ارتش و ماموران ویژه را، به عنوان مختلف به امریکا و دیگر کشورهای غربی گسیل میداشت، از هر گونه تماس مردم با کشورهای سوسیالیستی با تمام نیرو جلوگیری می‌کرد. مسافرت به اتحاد شوروی و کشورهای «بلوک شرق» بهر عنوان ممنوع بود، و اگر کسی بطرفی گذارش به آنسو میافتاد، مورد مواخذه شدید ساواک قرار میگرفت. حتی تحصیل و کسب تخصص نیز در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برای جوانان ایرانی جرم محسوب میشد. چه بسا جوانان ایرانی که پس از پایان دوره دبیرستان، به علت ندانستن امکان تحصیل در ایران، به کشورهای خارج می‌رفتند و پس از سالها اوارگی، امکان مسافرت به اتحاد شوروی را می‌یافتند و در آنجا با استفاده از سیستم آموزش رایگان و نامون شده آن کشور، تخصصهای گوناگون کسب می‌کردند، باین امید که روزی به‌همین بازگردند و مملوالت کمونیسم را در خدمت خلق خود قرار دهند.

ولی این افراد از اولین روز ورود به اتحاد شوروی با مخالفت و اعتراض مقامات سفارت ایران مواجه می‌گشتند، گذرنامه‌هاشان علامت گذاری میشد و بدینسان از حق بازگشت به‌میهن محروم میشدند. دلیل این امر کاملاً واضح است.

مردم ایران بهیچوجه نمی‌بایستی از واقعیت اسودر در کشورهای سوسیالیستی باخبر شوند. فقط با کندین برده ایام به‌دور کشورهای سوسیالیستی - سازمان‌گاران سوسیالیسم و کمونیسم - و بر اطلاع نگه‌داشتن مردم از واقعیت مربوط به این کشورها مردم سردمداران آنتی کمونیسم برای انتشار اتهامات و شایعات بی‌اساس خود زحمه می‌یافتند. ولی اگر جوانانی که مثلاً در اتحاد شوروی چند سال زندگی و تحصیل کرده بودند، به بهیشتان بازمی‌گشتند و بعنوان

راهپیمائی وسیع در سمنان

روز بوست و ششم تیرماه، مردم سمنان بوعتو امام در راه پیمائی وحدت شرکت کردند. در این راه پیمائی وسیع که ۲۰ هزار نفر در آن شرکت کرده بودند، اغلب احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی از جمله هواداران حزب توده ایران شرکت داشتند. مردم سمنان در راه پیمائی خود توطئه‌های امپریالیسم و ضد انقلاب را محکوم کردند. در پایان راه پیمائی قطعنامه‌ای خوانده شد که در آن، ضمن تأکید بر اتحاد همه نیروها برای مبارزه با امپریالیسم و ضد انقلاب، از دولت خواسته شده بود در مقابل توطئه‌گران و ضد انقلاب قاطعانه عمل کند.

در این قطعنامه بر رهبری قاطعانه امام خمینی تأکید شده و طرح شورای انقلاب برای تشکیل مجلس خبرگان مورد تأکید قرار گرفته بود.

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا حرفه‌ها سه‌شنبه، دوشنبه و چهارشنبه متش می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به: نخست‌وزیر، دادستان دادگاههای انقلاب، رئیس کمیته مرکزی امام

حتماً اطلاع دارید که از چندین پیش عناصر مشکوک به مرکز حزب توده ایران و دفاکتر «مردم» ارگان مرکزی حزب ما و کتابفروشی‌ها و دهکده‌های روزنامه فروشی در شهر سمنان، که نشریات و مطبوعات حزب ما را عرضه میدارند، هجوم می‌برند و ضمن دادن شماره‌های دشنام گونه به حزب توده ایران، شیشه‌ها را می‌شکنند. نشریات، روزنامه‌ها، پوسترها و عکسهای شهیدان را پاره می‌کنند، خسارت مالی وارد می‌سازند و حتی پول موجود در کتابفروشیها و دهکده‌های روزنامه فروشی را به‌زور می‌برند.

در چند روز اخیر هجوم این عناصر مشکوک شدت یافته است. آخرین نمونه آن، هجوم عناصر مشکوک به راه پیمائی اعضاء و هواداران حزب توده ایران در ۲۹ تیرماه ۱۳۵۸، به‌مناسبت سالگرد شهیدان سیم تیرماه ۱۳۳۱، در این راه پیمائی قطعنامه‌ای خوانده شد که در آن، ضمن تأکید بر اتحاد همه نیروها برای مبارزه با امپریالیسم و ضد انقلاب، از دولت خواسته شده بود در مقابل توطئه‌گران و ضد انقلاب قاطعانه عمل کند.

در این قطعنامه بر رهبری قاطعانه امام خمینی تأکید شده و طرح شورای انقلاب برای تشکیل مجلس خبرگان مورد تأکید قرار گرفته بود.

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا حرفه‌ها سه‌شنبه، دوشنبه و چهارشنبه متش می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا حرفه‌ها سه‌شنبه، دوشنبه و چهارشنبه متش می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا حرفه‌ها سه‌شنبه، دوشنبه و چهارشنبه متش می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا حرفه‌ها سه‌شنبه، دوشنبه و چهارشنبه متش می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا حرفه‌ها سه‌شنبه، دوشنبه و چهارشنبه متش می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا حرفه‌ها سه‌شنبه، دوشنبه و چهارشنبه متش می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا حرفه‌ها سه‌شنبه، دوشنبه و چهارشنبه متش می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا حرفه‌ها سه‌شنبه، دوشنبه و چهارشنبه متش می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به: نخست‌وزیر، دادستان دادگاههای انقلاب، رئیس کمیته مرکزی امام

بخواهند وجه نخواهند، چه آنگاه باشند و چه نباشند، چیزی جز شوقی ضد انقلاب به ادامه و تشدید اعمال ضد انقلابی نیست. اینک تاکنون تجربیات و خرابکاریهای عناصر مشکوک به مرکز حزب ما و کتابفروشی‌ها و دهکده‌های روزنامه فروشی در شهر سمنان، که نشریات و مطبوعات حزب ما را عرضه میدارند، هجوم می‌برند و ضمن دادن شماره‌های دشنام گونه به حزب توده ایران، شیشه‌ها را می‌شکنند. نشریات، روزنامه‌ها، پوسترها و عکسهای شهیدان را پاره می‌کنند، خسارت مالی وارد می‌سازند و حتی پول موجود در کتابفروشیها و دهکده‌های روزنامه فروشی را به‌زور می‌برند.

در چند روز اخیر هجوم این عناصر مشکوک شدت یافته است. آخرین نمونه آن، هجوم عناصر مشکوک به راه پیمائی اعضاء و هواداران حزب توده ایران در ۲۹ تیرماه ۱۳۵۸، به‌مناسبت سالگرد شهیدان سیم تیرماه ۱۳۳۱، در این راه پیمائی قطعنامه‌ای خوانده شد که در آن، ضمن تأکید بر اتحاد همه نیروها برای مبارزه با امپریالیسم و ضد انقلاب، از دولت خواسته شده بود در مقابل توطئه‌گران و ضد انقلاب قاطعانه عمل کند.

در این قطعنامه بر رهبری قاطعانه امام خمینی تأکید شده و طرح شورای انقلاب برای تشکیل مجلس خبرگان مورد تأکید قرار گرفته بود.

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا حرفه‌ها سه‌شنبه، دوشنبه و چهارشنبه متش می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا حرفه‌ها سه‌شنبه، دوشنبه و چهارشنبه متش می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا حرفه‌ها سه‌شنبه، دوشنبه و چهارشنبه متش می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا حرفه‌ها سه‌شنبه، دوشنبه و چهارشنبه متش می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا حرفه‌ها سه‌شنبه، دوشنبه و چهارشنبه متش می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا حرفه‌ها سه‌شنبه، دوشنبه و چهارشنبه متش می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا حرفه‌ها سه‌شنبه، دوشنبه و چهارشنبه متش می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا حرفه‌ها سه‌شنبه، دوشنبه و چهارشنبه متش می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران:

خطر بسیار جدی، دستاوردهای انقلاب را تهدید میکند

بقیه از صفحه قبل
عناصر صادق انقلابی، که بر اثر ناآگاهی، در این دام خطرناک می افتند.

مخالف وابسته به امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم سرنگون شده شاه خائن، از یکسو بدست عمال ساواک و سپا و موساد، زیر نام گروه «فرقان» شخصیتهای مذهبی را بخون میکشند و از سوی دیگر نیروهای چپ و راست افراطی را علیه هم تحریک و طوطی‌های جنایت آمیز عصبانی شده‌اند، بوسیله عمال دیگر خود، شمار مرگ‌بگ‌توسیم، «کمونیست‌ها اعدام باید گردند» را پیش می‌کشند.

همین مخالف، بدست عناصر و گروههای اسکا، ابر خود از قبیل مائوئیستها از یکسو و «ساواک‌های تازه مسلحان شده، ازفماش «تهران‌ئی‌ها»ئی که آزادانه در خپا بانها میگردند، از سوی دیگر، نیروهای چپ و راست افراطی را علیه هم تحریک میکند، در همین میان نارنجکی را در مسیخ خرمشهر منفجر میکند و بعد در اطراف آن چنان جو تبلیغاتی بوجود می‌آورد که حتی کسی با ندانند آیت‌الله منتظری، با آن‌همه تجربه زندگی، در دام مائوئیستی و اظهار نظری آتقدر ناعادلانه ابراز میکند.

این «مخالفین» از طریق این پانزده مینشود که برخی از همان کسانی که علیه تسلط امپریالیسم و تحریک صهیونیسم در ایران مبارزه کرده و تبعیدی، خون گداخته و آماده جان دادن هستند، از رژیم ارتجاعی نظامی اسکا و کادو، که تار و پودش با امپریالیسم و رژیم شاه مخلوع بهم پیوسته است، پشتیبانی نمایند، از توطئه رژیم ساواک‌ها و ملائکان خون‌آشام افغانستان علیه رژیم خلقی آنتکسور (تتها) بر این پایه که این خرابکاران بدروغ و به بار ماسک تزویر آمیز مبارزه در راه اسلام را بر چه چهره خود زده‌اند) حمایت کنند و میلیون میلیون پول زحمتکشان و مستضعفین ایران را برای پشتیبانی غارتگران رژیم پوسیده سلطنتی افغانستان بپردازند.

عناصر ضد انقلاب و موساد و ساواک، از یکسو از راه کشورهای ارتجاعی عربی، از راه پاکستان و خلیج فارس اسلحه به ایران وارد میکنند، که بخشی از آنها سلاح‌هایی است که اسرائیل از خلع سلاح چند ارتش مصری در صحرای سینا بدست آورده، یعنی همان سلاح‌هایی که اتحاد شوروی به جمال عبدالناصر برای مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم داده بود، و از سوی دیگر، مستقیم و غیرمستقیم، بوسیله عوامل خود در رادیو وتلوژین یونو مطبوعات، بوسیله ماموران خود در میان گروههای افراطی راست، این افسانه را شایع میکند که چون بخشی از این سلاحها ساخت شوروی است، پس اتحاد شوروی این سلاحها را در پیش میکند و چون اتحاد شوروی بخش می‌کشد، پس کمونیستها هستند که گویا در این توطئه دخالت دارند؛ امپریالیستها آتقدر ماهرانه این بازی جنیتی را روی صحنه می‌آورند که گاه حتی عناصر با حسن نیت را دچار تردید می‌سازند.

سخن گویان امپریالیسم، صهیونیسم و بسازماندگان رژیم شاه مخلوع، نیروهای بهم‌ریخته و فراری خود را هر روز بیشتر گروهم می‌آورند، متشکل می‌سازند، مجهز میکنند و از ابدهای مختلف برای تزویر، خرابکاری، آتش‌سوزی، فلج کردن اقتصاد، دامن زدن به ناخردسندیهای مردم، نفاق-اکنکی، تفرقه‌اندازی، برپا کردن جنگ‌های برادر کشی خانگی و... وارد میدان عمل می‌سازند و هر روز گستاخ‌تر میشوند.

۲. مجموعه اقدامات زبان بخش گروههای افراطی راست و چپ و پیامدهای خطرناک آن، دومین عامل را تشکیل میدهد که بوسیله آن، ناآگاه‌آب به آسیاب دشمنان انقلاب ایران ریخته میشود.

ما بر چند پاشای امام خمینی را تالیف میکنیم که هر روز و تقریباً در هر برخورد با دیدار کنندگان، روی اهمیت تاریخی و جدت همه نیروهای ضدامپریالیست و مدافعانمغفان خلقی‌های زحمتکش تکیه میکنند.

نیروهای افراطی راست و چپ، بنظر ما، ناآگاه‌ها وابسته به امپریالیسم و رژیم گذشته نیستند، ولی بعکس توه نظری در سیاست، همه چیز را تنها از دریچه‌های تنگ افکار فشری راست و یا چپ خود می‌بینند و «صحت» نظر خود را مطلق می‌سازند و با هر آنچه عیباً با آن انطباع نداشته باشند، از دست سزین در می‌آیند و میکوشند با اعمال بی‌رویه و قوی منطبق با اصول آزادی و برابری، نظریات خود را بر دیگران با تسویل نمائند. پیامد عمل این افراطی‌های راست و چپ این است که، مسائل فرعی برای آنها، حتی در حساس‌ترین لحظات خطرناک برای مجموعه جنبش، اهمیت درجه اول پیدا میکند و در نتیجه نوجوانان بهم‌ترین جهات مبارزه انقلابی دچار ضعف میگردد.

میخواهند مشکلات غیر قابل حل بوجود آورند

یک رشته موضعیها و اقدامات گروه‌های چپ افراطی و ملی‌گرا در کردستان، خوزستان و کرگهان و بسا وین‌کیهای خاص در یلوچستان را نیز باید در همین چهارچوب مورد قضاوت قرار داد. در این میدانهای مبارزه، امپریالیسم و ارتجاع می‌کوشند ناراضی‌نهایی ناشی از سیاست رژیم گذشته را در زمینه حقوق حقهٔ خلقهای غیر فارسی ایران با اختلافات مذهبی شیمه و سنی و همچنین اختلافات ناشی از مبارزات طبقاتی قشرهای محروم و زحمتکش علیه ملائکان و خانهای عشایر و سرمایه داران غارتگر، در کلاف سردرگمی بپیچانند و از آن مشکلی غیر قابل حل بوجود آورند. در چنین ممر کهای، هر اشتباه کوچک-چه رسد به اشتباهات بزرگ- نیروهای راستین انقلابی، به نیروهای افراطی راست امکان و پهنا میدهد که با ماسک‌های گوناگون، مبارزه را ازعرصهٔ ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی‌اش خارج سازند و از سوی دیگر به امپریالیسم و ارتجاع امکان میدهد که از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و بسا وارد ساختن عناصر خود در صفوف نیروهای راستین انقلابی، با وسیله تحریک، هر روز در گورهای یا بر بنی‌نیز سازند و آتش نفاق و چوئند رستیکی را بیشتر شعلهور کنند.

بنظر حزب تودهٔ ایران، در لحظه کنونی مسئولیت بسواد سنگینی بردوش این بخش از نیروهای انقلابی ایران، یعنی نیروهای صندق‌افراطی مذهبی و افراطی چپ و ملی‌گرا است. ادامهٔ این افراط‌گرایی زبان‌های چپ‌ان یا پذیرگی به عهده‌ترین وظیفهٔ روز همهٔ نیروهای راستین انقلابی، یعنی تلاش در ایجاد جبهه متحد خلقی علیه امپریالیسم و بسازماندگان رژیم شاه مخلوع وارد می‌سازد. بنظر حزب ما، وظیفهٔ تاریخی این نیروهاست که هر چه زودتر و بدون تأخیر، مجموعهٔ سیاست خود را مورد تجدید نظر نقادانه قرار دهند و اشتباهات جدی خود را بشناسند و سمت‌گیری سیاسی خود را با خواست‌های عینی لحظهٔ کنونی انقلاب ایران منطبق سازند. چنین موضعیهای انقلابی تنها با ابراز شهامت انقلابی امکان پذیر است.

۳. سومین عامل تضعیف کننده جنبش انقلابی، ناتوانی دولت در مقابله و مبارزه با مشکلات اجتماعی و اقتصادی است.

این همان ضعیی است که بارها از طرف امام خمینی یادآوری شده است و در همهٔ زمینه‌ها، یعنی در زمینه سیاست خارجی، سیاست داخلی، سیاست نظامی و سیاست اقتصادی چشمگیر است.

بدون تردید مشکلاتی که اکنون در مقابل انقلاب ایران قرار گرفته‌اند و گسترش آن‌ها از ترمن مسی کنند، سرچشمه‌های گوناگون دارند. این مشکلات بسیار زیاد و جدی هستند و در مجموع خود از ۴ منبع سرچشمه میگیرند؛

● اول، اریقه و حشمتاک و دردآزور رژیم غارتگر، جنایت پیشه و خائن سرنگون شده شاه مخلوع، یعنی رژیم وابسته به امپریالیسم، و به سخن دیگر مشکلات ریشه‌کن ساختن و اسنگی به امپریالیسم،

● دوم، مشکلات ناشی از دوران مبارزه خلق علیه رژیم مغفور پهلوی،

● سوم، مشکلات ناشی از خرابکاری‌های پیردامنه دشمنان خارجی و داخلی انقلاب ما، یعنی امپریالیسم آمریکا و هندستان، بسازماندگان رژیم خائن سابق و مخافیل ارتجاعی ایران،

● چهارم: مشکلات ناشی از تسلطهای نیروهای سازشکار وابسته به سرمایه‌داری بزرگ ایران، که گسترش انقلاب را در جهت تامین منافع طبقات زحمتکش، مخالف منافع سوجدویانه خود می‌دانند و بانام نیرو در صدد ترمن کردن گسترش خلقی انقلابیاند.

اینها مشکلات عظیمی است. همین پرستان و مبارزان راستین انقلابی ایران خوب میدانند که همه این مشکلات از امروز تا فردا حل‌شدنی نیستند، ولی آنچه مردم ایران خواستارند هستند، و متأسفانه تاکنون دولت نتوانسته است آنرا انجام دهد، ایست که قان بنشوند دولت، با بهره‌گیری از همه امکانات موجود، همه نیروهای خلق را برای دفع ایمن مشکلات نیزه‌می کند و بیگار می‌اندازد.

دست در همین زمینه است که دولت تاکنون که نزدیک به ششماه از پیروزی انقلاب می‌گذرد، ضعف و ناچیزی و عدم تأطیم نشان داده‌است. شش‌ماه که گذشت، شش‌ماه حساس و دوران‌ساز پس از انقلاب بود، شش‌ماه‌هی که شور انقلابی مردم و آمادگیشان برای کار سازنده، برای فدائری در عالی ترین سطح قرار داشت. شش‌ماه‌هی که ارتجاع و امپریالیسم به علت لزوم پاشدگی دستگاههایشان، هنوز فرصت تجدید سازمان و آغاز حمله نداشتند.

در این شش‌ماه دولت، که از پشتیبانی امام‌خوئی، و از حمایت اکثریت مطلق مردم برخوردار بود، اگر بشووه‌های

دنباله نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران:

خطر بسیار جدی، دستاوردهای انقلاب را تهدید میکند

بقیه از صفحه قبل
انقلابی به حل مشکلات برخورد می‌کرد و میتوانست در هر لحظه عمده را از غیر عمده جدا سازد، اگر دولت می‌توانست، بدون پیشوداریهای ذهنی، از همه نیروها وامکانات مادی و انسانی درون جامعه‌ها و امکانات عظیم مساعد جهانی بسود جنبش انقلابی ایران بهره‌گیری کند، انقلاب ایران میتوانست اکنون بدستاوردهائی به مراتب عظیم‌تر بیابد.

ما از آن دوریم که بتوانیم ادعا کنیم که در دوران ۶ ماهه پس از انقلاب کاری انجام نگرفته است. برعکس، بنظر ما دستاوردهای انقلاب ضدامپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ایران نتوانسته است در همین مدت کوتاه به بخش چشمگیری از آماج‌های خود برسد.

زبان‌هایی که به رشد جنبش انقلابی وارد آمده است

بحث مادی‌واره آن چنین‌هاست که هم‌لازم دوهم ممکن بود در این فاصله زمان انجام گیرد و تنها با بعکس ناتوانی دولت در بر کردن شووه‌های انقلابی، که یگانه شووه مؤثر در در دورانیهای انقلاب است، انجام نگرفته و زبان‌های بسیاری به رشد جنبش انقلابی مادردار ریشه‌کن ساختن استعمار و استبداد وارد ساخته است.

این ناتوانی بطور عمده ناشی از موضعی‌گری‌روشن طبقاتی دولت است. سیاست دولت بطور عمده در چهارچوب خواستههای سرمایه‌داری لیبرال ایران حل میشود و روشن است که این خواستهها بطور پرتی‌ای با خواستههای مجموعه جنبش انقلابی ایران، که بنیادگرفته امام‌خمینی، انقلاب مردم‌زحمتکش شهر دروستا، یعنی کارگران و دهقانان پیشه‌وران و دانشجویان و فرودندگان خرده‌پا بوده‌است، تفاوت دارد.

انقلاب ایران چهارمف عمده در مقابل خود قرار داد، این چهارمف که در راندها می‌های امام خمینی بسازتاب یافته‌اند، عبارتنداز:

● اول: بر نداشتن رژیم غارتگر، جنایت‌پیشه و خائن شاه،

● دوم: ریشه‌کن کردن تسلط فداگرانه و استیلا-جویانه امپریالیسم و صهیونیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا، که امام‌خمینی، بنیان زبان‌گویی همه همین پرستان‌ایران، آرای دشمن شماره یک مردم ایران اعلام کردند،

● سوم: تسامین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک و اختلاف نظر موجود بین رهبری و شورای انقلاب و دولت برای همه مردم ایران از زن و مرد و همه خلق‌های ایران و حق تعیین سرنوشت برای ملیت‌های ساکن کشور ایران،

● چهارم: تأمین عدالت اجتماعی بسود محرومین جامعه. یعنی خانه دادن به غارتگری چپاولگران رنگارنگ نرتوت ملی و محصور کارزحمتکشان و بهبود همه‌جانبه زندگی مردم محروم و بویژه کارگران و دهقانان زحمتکش.

مسئله رسیدن به این هدفها کار آسانی نبود و هنوز هم نیست. برای رسیدن به این هدفها، که تمام زندگی سیاسی، اقتصادی، نظامی، امنیتی و فرهنگی همین مسار را، بسا همه پیچیدگیها و بن‌رنجی‌هایش، در بر میگردد، یک برخورد عمیقاً انقلابی و خلقی ضرورت دارد.

این برخورد باید برپایه تأمین منافع خلق، یعنی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران و دهکدستان، و سرمایه‌داران کوچک و متوسط مهین برست بسا شود. سیاست دولت در برخورد بسا حرکت جنبش بسوی همهٔ این آماج‌ها نوز غیر قاطع، ناچیز و متزلزل بوده و هنوز هم ادامه دارد. مثلاً در مورد ریشه‌کن کردن تسلط سیاسی- نظامی امپریالیسم آمریکا، دشمن شماره یک مردم ما، قرارداد دوجانبهٔ ایران و آمریکا، که سه بزرگ‌ترین سند خیانته رژیم شاه مخلوع و سنگین‌ترین زنجیر اسارت بر دست و پای خلق ما بود، هنوز بقوت خود باقیست و دولت به بهانه‌های بکلی ناورده، از پاره کردن آن سر باز می‌زند.

تا بحال در تمام تاریخ چند صد سالهٔ اخیر جهان دیده نشده

گذری به لاله‌زار...

ساخت. آخرین بازماندهٔ لاله‌زار، که کمابوش تا همین اواخر از اصلی برخوردار بود، «روحوشی» بود، که آنهم بخاطر منبع سوژه‌های اجتماعی انتقاد برانگیز، به هنری بی‌خطر تبدیل شد، و این با ماهیت پرخشوشی آن ناسازگار بود. و از اینرو، در افتاد، ابتذال عمیق لاله‌زار» یکسره معلول حاکمیت رژیم مینتدل پسند پهلوی است. اهرم‌های سیاسی حاکمیت رژیم پهلوی در انقلاب عظیم ملی و دمکراتیک درهم شکست، امسا در هر انقلابی، روینای فرهنگی اینک تا دین. زمانی جان سختی نشان میدهد و مدتها به زندگی انکلو و خوداروخه ادامه میدهد و این، نظم و سامان نورا هواره تهدید میکند. انقلاب کیمه‌تامام و به بخش‌های لشت‌نشاء فرستاده شد. شورای ده به‌کماری مردم برای حل‌مسائل متکی است، و در روستاهای زیبا کنار و چوپنجان نیز شوراهای روستائی

خطر بسیار جدی، دستاوردهای انقلاب را تهدید میکند

همه شغفها و ناوانیهای دیگر دولت در همهٔ زمینه‌های عملکردش ناشی از همین وابستگی است. اینکه دولت که مبارزه علیه امپریالیسم را بنیاد تأطیم نشان میدهد، اینکه دولت در مسئله تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی و تأمین حقوق خلقها سسی نشان میدهد و در مبارزه علیه گورگنان آزادی (بازماندگان رژیم بر سنگون شده) معاشات میکند، اینکه دولت حتی از انتشار فهرست کارگران ساواک، که برخی از حساس‌ترین پست‌های دولتی و اجتماعی و رسانه‌های گروهی را در دست دارند و با تمام نیرو از امکانات خود علیه انقلاب بهره‌گیری میکند، خودداری میکند، اینکه افسردگی از دولت بجای آنکه نیروی خلقی، نیروی پاسداران و نیروهای دولتی در حال تجدید سازمان را برای مبارزه علیه ضد انقلاب، علیه عوامل امپریالیسم آمریکا و اسرائیل و شاه مخلوع، علیه خرابکاران سپا و موساد و ساواک تعیین کنند و آماده سازند، تنها تلاششان، نیزه‌وی این نیروها علیه نیروهای انقلابی و مهین‌پرست داخلی است که با تمام جسان در انقلاب شرکت کرده‌اند و از آن پشتیبانی میکنند، یعنی شوراهای بسویالیستی و بویژه اتحاد شوروی است که از انقلاب ایران پشتیبانی کرده و میکند، و اینکه در سیاست خارجی، از ترس اینکه مبادا «قلب‌لطیف» امپریالیسم آمریکا جریبه‌دار شود، مثلاً هنوز از برسمیت شناختن گویای انقلابی‌نفره میروند، اینکه دولت در مسئله بکار انداختن کارخانه‌ها-سا از مراجعه به نیروی سازنده خلقی، از بکارگرفتن بخش مهمی از مهین پرستان، بدلالی عقیدتی، خودداری میکند، آری همه اینها پیامد همان بهماری اصلی، یعنی موضعی‌گری طبقاتی دولت کنونی است.

این ناتوانی دولت، مقابله و مبارزه انقلابی با مشکلات، یکی از سه عامل عمده تضعیف کننده جنبش انقلابی در مرحله کنونی است و میتواند در کنار عوامل دیگر، موجب پیامدهای ناگوار و دردناک برای انقلاب شود. این ناتوانی دولت مستقیماً موجب تقویت عامل اول، یعنی فعالیت ضد انقلاب میشود و به آن امکان میدهد که هر روز بیشتر از ناراضی‌نهایی حاصله از این سمات دولت بهره‌گیری کند.

جبهه متحد خلق: تنها راه

بنظر حزب تودهٔ ایران، یگانه راه چیره شدن سریع بر مشکلات عظیمی که در مقابل جنبش انقلابی مهین‌ها قرار دارد، بوجود آوردن **جبهه متحد خلق** از همه نیروهای است که بدون چون و چرا خواستار رسیدن به چهار هدف اصلی انقلابند و دفاع از منافع مشترک توده‌های ده‌میلیونی زحمتکشان شهر و ده، یعنی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران مهین‌پرست و سرمایه‌داران کوچک و متوسط و ملی را در دسراسر ایران پایه‌سیاسی و عملی خود قرار میدهند. تنها تشکیل چنین جبهه‌ی متحدی است که به نیروهای خلق را برای بسازاری و نوسازی اقتصادی و اجتماعی ایران مجهز کند، عناصر افراطی را مغفرد سازد و درسیه‌های امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی را نقش بر آب نماید، دستاوردهای انقلاب را بازگشت‌ناپذیر کند و انقلاب را با کامیابی بر نتوانش ویرشباب‌تند و پیش‌برد، و چنین جبهه‌ی تنها بر پایه پذیرش یک برنامه روشن انقلابی میتواند وجود آید.

حزب تودهٔ ایران تاکنون، در موارد گوناگون، بطور مشروع نظر خود را در باره برنامه حداقل یک چنین جبهه‌ی یگان داشته و پیوسته آماده است که با همه اجزای و سازمانها و گروه‌های سیاسی مهین‌پرست و مدافع منافع خلقی برای برتری این جبهه، با همه نیرو همکاری کند.

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

تهران - دوم مرداد ۱۳۵۸

در «لشت‌نشا» شورای ده با تکلی به روستائیان تشکیل شد

تشکیل شد. شورای ده اول چهار نفره و شورای ده دوم شش نفره است. بنا بکسارنش واصله، همه افراد شوراهای ده از روستائیان خوشنام و مورد احترام اهالی بوده و باقی افراد آنرا تصاحب شده‌اند.

شورای ده از مسوولان دولتی و محلی خواسته‌اند که پشتیبان مجلس شورای ده باشند، تا با این روش فراموشی را از ذهن مردم و به‌دست آورند.

دهقانان اول شت‌نشاء دو درخواست شوری دارند، یکسای ناسی فروشگا نفت، که در این بدفتر «مردم» مراجعه خدمت‌است.

زمینه بارها تقاضا کرده‌اند، منجمله

در ۲۶ بهمن ۵۷ به هیئت مدیره شرکت تعاونی و در ۲ اردیبهشت امسال به سازمان تعاونی مرکز، ولی شرکت ملی نفت تاکنون توجه کرده است. خواست دوم آنها مربوط بسره ابراهامی بنی رشت ولشت نشاء است که از نظر اقتصادی و زندگی مردم و حوابع رفاهی اهمیت فراوان دارد. درباره

این مسئله اخوس حتی شخصاً هم بدفتر «مردم» مراجعه خدمت‌است.

ضد انقلاب در مطبوعات

امیر یالیسم، صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی در سنگر مطبوعات لانه کرده‌اند

آن کسی بخواند از دیدگاه بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات، جامه برآمده از انقلاب با در پشت‌ساز، در ادولین روبرویی مویز بر اندام او راست خواهد ایستاد. او کشور از هم گسیخته و پریشانی خواهد یافت که در زیر پاشنه ارتجاعی‌ترین دیکتاتورهای به خود می‌پیچد، زندان‌ها انباشته از بیگناهان، سالورسانسور همه جا حاضر و آیدادی امپریالیسم برجاس‌ترین مواضع چیرمانند، زنان از بهشتی که بدان دست یافته بودند، دوباره به اعماق آتشی‌خانه‌ها رانده‌شده و در پیچه و چادر و چاقچور فرو رفته‌اند. گرانی بی‌داد میکند، رشوه و فساد از سرورک مللکت بالا می‌رود، امنیت کمیولاست، عدالت متوازی است. همه جا تاریک است. حتی روزنه دور دستی از امید پیدا نیست...

چنین تصویری ازجامه ما، به‌یوننده و ناظرلی رایبی اختیار به این فصولت می‌کشد که، «صد رحمت به دوران آریامهری»! و صد البته این همان منظوری است که بخشی از مطبوعات و بویژه درنگین‌نامه‌ها آگاهانه و مبرم‌انه تمهیب می‌کنند. همین‌جا بگوئیم که حساب‌حمتکشان مطبوعات و آن جرایدی که به رسالت خود آگاهی دارند، از این دسته جرادستی، ولی در جبهه جنگ سرد مطبوعات، برای تندیزه و بهره برداری ضد انقلاب تدارک دیده می‌شود. اینک بخش بزرگی از مطبوعات عملاً به‌سنگر ضد انقلاب بدل شده است، تضادلی نیست، لیست صدها قلم بزسد ساواکی که در ماه است که بین وزارت ارشاد ملی و سندیکی روستندان و خبرنگاران مطبوعات، دست به دست می‌کورد و جای تمجب و تأسف است که هیچک علفای به‌انتشار آن‌شان نمیدهند، و در همین حال جارجپان بزک کنندگان چهره استبداد و تمیرالیسم، فارغ از هر فدهغالی در پشت حساس ترین بلندگوهای تلویزیونی، به‌زحی‌باشی ادامه میدهند. و جالب‌لی اینکه این عمه و ارکه‌گنده‌ترین نظم و آئین استبداد، چنان در زیر علم و کتلی «آزادی و آزادلیخواهی» سینه جاک می‌دهند که گوئی رسولان دست از جان شسته آرمان‌شاهدان!

شبهه‌گران قلم به‌دست نظم آریامهری یک شکر داسایی دارند، آنها در تحولات انقلاب هیچ جنبه مثبتی نمی‌بینند. با نوعی تعاشلی موزیانه به مدام تکرار می‌کنند، «هیچ چیز عوض نشده، فقط درادادها عکسهای جدید جای عکسهای قبلی را گرفته است»، اقدامات و گامهای مثبت انقلاب را، که تجسم اراده مردم انقلابی و دستاورد آنهاست، ندیده می‌گیرند و در عوض هر عیب و ایراد فرعی و غیر فرعی را - که مناسفته نمند! آنها - به برکت ارتپه مهرورزی، پهلوی خرابکاری ضد انقلاب و ناپیگری ریزی‌ها، تپاری دولت موقت فراوان است - با درشت‌ترین تیغ‌ها توی چشم خوانندگان خود می‌زنند. جای عشم را با غور عمده عوض می‌کنند، در «معلق کردن لیبرالیسم بورژوازی، مردم‌رای که با خاطرات و کابوسهای دوران اختناق به‌حق دل‌نگران هر نوع آزادی‌اند، از ضرورت مبرم و حیاتی مبارزه با امپریالیسم مبارزه‌درد درامد مکرر اتسوا مطبوعات، آزادلی‌مکنند، آزادلی‌دموکراسی نابه و «آزادی مطلق» حق ضد انقلاب و موعولیان ورشکسته دیکتاتوری در تاج‌عبار برای تبلیغ و ترطبه‌دهنا به‌پراکنی، برای ساختن افکار عمومی مطلوب خود و تشدید فضای سوءطن، سرخوردگی، یاس، دلوره و بی‌اطمینانی، به رسمیت می‌شناسند. شاپور و خنتیار را - که دستهایش تا مرقع به خون شهدای خلق آغشته است، و مجبوسترین

نخست وزیر دوره مشروطه معرفی می‌کنند: بهانه‌های مختلف نام و عکس و تصویلات او را چسپ می‌زنند، شاه خائن مخلوع را شاه مغلوب مینامند و به هرستادیزی درباره او، تصمیمش به بازگشت، نظراتش راجع به وضع ایران قلم‌فرسائی می‌کنند. مهم‌ترین سپر دفاعی وزره نبرد انقلاب را، نظیر دادگاه‌ها و پاسداران کمیته‌های انقلاب، بی‌اعتبار و بی‌اثر می‌کنند. شخصیت‌های لیبرال، بورژوازی نیم بند و مشکوک، چهره‌هایی که تا دیروز قانون اساسی پهلوی زده را در کفیه بودند و کمی اصلاح را در بساط مخوف شاه خائن گدائی می‌کردند، برسر زبانه‌ها می‌اندازند و مدافع حق آزادی معرفی می‌کنند، رو به‌داد و دروازه‌بان‌تر، بی‌تصرف و تخریب می‌کنند: باز یک آنرا چنان بزرگ جلوه می‌دهند و رکن دیگر را چنان ناامنی می‌دانند، که حق‌تقدیر، بوسویه، پادروها می‌مانند، سازمان‌ها و جریانه‌های جدید و واقفانقلابی را با یکوت می‌کنند. انگار که انکار اصلاً چنین جریانه‌هایی وجود خارجی داشته و دارند. هر وقت هم به سراغ آنها می‌افتند، یعنی واقعیات جاری و زنده، وجود این جریانه‌ها را به آنها تحمیل می‌کند، به لجن پراکنی می‌پردازند، با جمل مسایل و رویدادها، به تخطئه آنها می‌پردازند، برعکس جریانه‌ها و سازمان‌های گمراه و یا منحرف و حتی گروهک‌های جنجالی و بی‌وفایی را - که بسیاری از آنها یک شبه از زمین انقلاب سبز شده‌اند و برخی از آنها بیشتر در روی کافه وجود دارند تا در جامعه - مدام مطرح می‌کنند، با درستی‌شان می‌اندازند و با خرف‌ها و نظر آتشان، با بیچار خود در فضای سیاسی مللکت آتش بازی‌های پر جاذبه و سحرآمیز بر پا می‌کنند.

رنگین‌نامه‌هایی از این دست، که به حق در زمان آریامهری، مطبوعات گم‌فقدی خوانده می‌شدند، - بسا وجود اختلاف در مشی و سلیقه و نحوه نگارش، یک‌هدف واحد و یک مجموعه‌ده دارند، تضعیف و رهبری انقلاب و بی‌اعتبار کردن جنبش انقلابی مردم ایران، زیرا آنها با شامه تیزشان دریافته‌اند که در این شرایط «مغلوب انتقالی، تضعیف رهبری انقلاب همان زخم زدن بر پیشک انقلاب است. آنها می‌دانند که ناختن به استوارترین حسامیان و مدافعان انقلاب و خستگی ناپذیرترین سازمان‌های آن و در نتیجه، بی‌اعتبار کردن مجموعه جنبش انقلابی مردم ایران، - بزرگ‌ترین هدیه به عمال استبداد و اربابان آنهاست.

چنین است که بخش بزرگی از مطبوعات، با کسب‌تخای روز افزون، به‌چهره مردم و انقلاب جنگ می‌اندازند. و این از آنر است که عمال امپریالیسم، صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی در سنگر مطبوعات لانه کرده‌اند، از آنر است که بخش بزرگی از مطبوعات زیر نفوذ و اراده همان گردانندگان و قلمزنانی است که در عصر اختناق پهلوی چهره می‌زدند و به «معلق کردن لیبرالیسم امروز که ضد انقلاب در همه عرصه‌ها سخت در تقلاست و محظلات حساسی را از سر می‌گیرند»، این سوال بیش از همیشه مطرح است که، چرا وزارت ارشاد ملی و دیکسر مسئولان دولت، هنوز از افزایش ستون پنجم ساواک در مطبوعات خودداری می‌کنند؟ آیا این ضرورت و کوتاهی بود ضد انقلاب نیست؟ ما مسرانه می‌طلبیم که لیست ساواکی‌های مطبوعات بیدرنگ منتشر شود و کار پاکسازی در مطبوعات نیز با قاطعیات وی‌گیری صورت پذیرد.

گذری به لاله‌زار

برای تماشای نمایشهای «تتار نصره، گریزی به لاله زار رژیم و از دوران گذشته، تنها جای آداب‌پوه‌ها خالی‌نمانیم، که جز این همه چیز بروال مانوف بود!
دونمایش همراه: یک ترام به نام «انقلاب و یک کمندی به نام «ممنوع‌الخروج، با هنر نمایشی برجسته-ترین چهره‌های هنری لاله زار»

ممن نمایش‌ها آشکارا از بقایای همان دوران شاه زده‌است، که با ندکی دستکاری سیاسی و انقلابی (۱)، «مدیر نیزه» شده است. و این را به چهری جز تقلب وسوء استفاده از احساسات تماشاگر نمیتوان گرفت.

در کمالیکه تجربه انقلابی عظیم خلق‌ما غوغا درگسید افلاک درخشانده و هر ایرانی خود در شکل‌بندی بسیاری‌جا نمایه‌های دراماتیک نقش‌داشته، تفریق رنگ پریده و کمیتا باخته انقلاب، همان حدیث رنگ کردن قورباغه است و... می‌تویم که در نمایش «انقلاب»، داستان بیمزه و آبی‌حمله استعمار گران‌الکلیسی به‌ملوونیست کدام جزیره محمول کرده‌اند، از است. «انقلاب» که با مبتذل‌ترین روابط خانوادگی در میامیزد و با سوزهای سوزناک عشقی، دستمالی مرشده، که حدیثش برای تماشاگر ایرانی، حتی با انووکلمات قصار انقلابی و شاره‌های مخمبی، رنگی ندارد.

نمایش «ممنوع‌الخروج»، کمندی مبتذل و بیمزه‌ای است که به ظن قوی، پیش از انقلاب، با عنوانی نظیر «ارواح» یا چیز دیگر به صحنه آمده‌ست. سرم بندی مفتضحانه‌ای که به زور دلفک بازی می‌خواهد خنده دار جلوه کند، دست آخر گریز ناشیانه‌ای به موضوع زدی ااموال عمومی و

سندیکی کارگران و شورای کارگران

مدتی است که در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها بحث درباره **شورای سندیکا** درگرفته است. عده‌ای در لباس «چپ» و برخی درجامه راست، در میان کارگران تبلیغ می‌کنند که در کارخانه‌ها باید شوراهای کارگری تشکیل شود و نیازی به سندیکی کارگری نیست. آنها شورا را جانشین سندیکی ساخته‌اند و معتقدند که سندیکی یک مقوله کهنه است.

شورا و سندیکی دو نهاد مختلف‌اند که نمیتوان یکی را جانشین دیگری ساخت و این دو را در **پروا مهم** قرارداد. «بوجب تسمریف قانون کار و پیش نویس قانون اساسی، سندیکا برای دفاع از حقوق صغفی مجموعه زحمتکشان است که در یک موسسه، یا یک شهر و یک کشور فعالیت می‌کنند. علاوه بر این، جنبش سندیکی بسدیته خاص یک کشور نیست و در سراسر جهان این جنبش، صرف‌نظیر از نظام حکومتی و وجود دارد. وظایف سندیکاها در نظامهای مختلف تمییز می‌کند و هر قدر نظام کشوری مترقی تر باشد، وظایف سندیکا در آن وسیع تر است.»

در منشور ملل متحد بر ضرورت تشکیل کارگران در سندیکاها تصریح شده است و نیز در اساسنامه سازمان بین‌المللی کار، که ایران در آن عضویت دارد، بر لزوم سندیکاها تأکید شده‌است و نمایندگان سندیکی کشورهای مختلف در جلسات سالانه این سازمان شرکت می‌کنند و خواسته‌های کارگران را مدطرح می‌سازند. دولت ایران با قبول عضویت در این سازمان، اجرای مقاله نامه‌های آنرا متعهد شده است.

مقاله نامه شماره ۸۷ سازمان بون‌المللی کار در باره آزادیهای سندیکی و حسامیت از حقوق سندیکی، که در کنفرانس کارسال ۱۹۴۸ (این کنفرانس از ۱۷ ژوئن تا ۱ ژوئیه ۱۹۴۸ در سانفرانسیسکو برگزار شد) تصویب رسیده، مورد تأیید دولت ایران قرار گرفته است و در مسافرت اخیر نیز، آقای داریوش فروهر وزیر کار، بار دیگر تمهید دولت ایران را در مورد اجرای این مقاله نامه تصریح کرد.

اما در مورد شوراهای باید گفت که وجود سندیکا، شورا را نمی‌تکند و عکس آن نیز صحیح است. زیرا همان‌طور که در آغاز خاطر نشان‌اختم، این دو، دو مقوله جداگانه‌اند و وظایف آن‌ها نیز متفاوت است.

ما طرفدار آنیم که در تمام کارخانه‌ها و موسسات تولیدی، دردهرها و در روستاها شوراهای تشکیل شوند. اما هدف از تشکیل شورا در هر موسسه و هر منطقه باید روشن و مشخص باشد. و با وظایف سندیکا تداخل نکند، مثال می‌زنیم، در یک کارخانه وظیفه شورا عبارتست از، نظارت بر تولید و کوشش برای بهبود وضع تولید، در این کارخانه، شورا میتواند از نمایندگان مجموعه کارگران و کارکنان کارخانه تشکیل شود، که در این صورت نمایندگان کارگران، از طریق سندیکیا به شورا معرفی می‌شوند، و با شورای کارگاهی میتواند با شرکت نماینده کارگران و به معرفی سندیکیا و نماینده کارفرما برای حل اختلافات جزئی و رسیدگی به خواسته‌های مشخص کارگران و کارفرمایان تشکیل شود، و نیز شورای عالی کار برای حل برخی مسائل مربوط به روابط کارگری و کارفرما و از جمله رسیدگی بهملرجهای قوانین کار و بیمه و غیره... و تنظیم آئین‌نامه‌های مربوطه تشکیل میشود. بدین سان ملاحظه می‌شود که هر شورا مفهوم خاص خود را دارد و هدف از تشکیل آن میباید با دقت کامل مین‌شود.

اساس سندیکاسازمان صغفی طبقه کارگری است و سندیکی واقعی برای دفاع از حقوق و خواسته‌های صغفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان در مقابل استعمار کارفرمایان تشکیل میشود و باید بوسیله نمایندگان منتخب کارگران هر کارخانه یا حرفه یا صنف، تحت نظارت دائمی خود کارگران، درجریانی فعالیت شورا قرار نماندند. کارگران از کم‌کاری اعضاء شورا و از پنهان کاری آن شکایت داشتند. روز بعد نمایندگان، با حضور در جمع کارگران، از شیوه کار خود در گذشته انتقاد کردند و به کارگران قول دادند که بعد از این‌ها رادرجریان نحوه فعالیت شورا قرار دهند، سپس یکی از کارگران طی نطقی گفت، «ما نباید اجازه دهیم که این اختلاف نظرها باعث تفرقه و دشمنی بین ما شود. گفته‌های این کارگران در اکثریت کارگران تأیید می‌کنند.

اخبار کارگری

کارگران چاپخانه‌های همدان شدیداً استثمار می‌شوند

- ۱- برای حقوق بازنشسته زندگی،
- ۲- ۴۸ ساعت کار در هفته،
- ۳- بیمه درمانی،
- ۴- پرداخت سود و بونوس طبق قوانین کار،
- ۵- اضافه‌کار مامول ۳۵٪ ساعت حقوق در روز،
- ۶- استفاده از تعطیلات رسمی در سال،
- ۷- مرخصی طبق قوانین جدید وزارت کار،
- ۸- لباس کار،
- ۹- روزی یک لیوان شیر،
- ۱۰- حق مسکن - حق اولاد،
- ۱۱- وضع بهداشتی کارگاه،
- ۱۲- جلوگیری از کار افراد غیر صالح
- ۱۳- دادارای بودن حق اعتصاب،
- ۱۴- کارفرما حق برون کردن کارگر را ندارد مگر با نظر شورای کارگران چاپخانه‌ها،
- ۱۵- اجازه تحصیل به کارگران،
- ۱۶- بالابردن تعرفه دولتی برای کارهای چاپی،

نماینده اداره کار برای رسیدگی به خواسته‌های کارگران چاپخانه‌های همدان با کارگران تماس گرفته است.

«شورای از شیوه‌کار خود در گذشته، انتقاد کرد»

روز ۱۳ تیرماه، کارگران شرکت ایران تسانکتی، به اعتراض به وضعیت کار شورا ی کارگری کل شورای کارگران دست از کار کشیدند. کارگران این شرکت حدود چهارماه پیش ایجاد شده، ولی از آن وقت تاکنون موفق به رسمیت دادن خود در وزارت کار نگردیده است. به‌لایه اعضاء این شورا در لاک خود فرورده کارگران را در جریان فعالیت شورا قرار نماندند. کارگران از کم‌کاری اعضاء شورا و از پنهان کاری آن شکایت داشتند. روز بعد نمایندگان، با حضور در جمع کارگران، از شیوه کار خود در گذشته انتقاد کردند و به کارگران قول دادند که بعد از این‌ها رادرجریان نحوه فعالیت شورا قرار دهند، سپس یکی از کارگران طی نطقی گفت، «ما نباید اجازه دهیم که این اختلاف نظرها باعث تفرقه و دشمنی بین ما شود. گفته‌های این کارگران در اکثریت کارگران تأیید می‌کنند.

از اینجا رانده، از آنجا مانده

به‌هنگام تعطیلی شرکت ساختمانی اسفرزاده، واقع در باجکاه، نزدیک شهر از، کارگران تقاضای حقوق و مزایای خود را می‌کنند. در آن تاریخ با جواب سرد روبرو می‌شوند. عده‌ای از کارگران برای احقاق حق خود شکایت می‌کنند. بعد از عید نوروز شرکت مجدداً شروع به‌کار می‌کند. کارگرانی که از شرکت شکایت کرده بودند، برای شروع کار مسراجمه می‌کنند، ولی به آنها گفته می‌شود که چون شما شکایت کرده‌اید، نمیتوانید کار کنید. یکی از این کارگران می‌کند، ۳ سال سابقه کار در این شرکت دائم و حتی همه‌ها هم کار کرده‌اند و حالا می‌گویند چون شکایت کرده‌ای کار برای تو نداریم. به‌جای دیگر هم برای کار مراجعه می‌کنم، می‌گویند باید برگردی به‌سردار سابق.

اخبار دهقانی

اخباری از روستاهای اطراف شیراز

دست مالک غاصب از زمینهای دهقانان کوتاه باد

روز ۱۶ تیرماه عده‌ای از اهالی روستای «کوشک خلیل قره باغ» در جلوی کاخ پذیرائی سابق گرد آمده‌اند. این روستائیان در خلال انقلاب تا به امروز مورد تهاجم و مزاحمت منوچهر قوامی، از اقوام نوزبانگ خان قوامی، قرار گرفته‌اند که در سادست‌زمینهای را که سابقاً متعلق به او بوده امروز صاحبان اصلی روستائیان این روستا هستند و همه دارای سند مالکیت‌اند، تصاحب‌کند. ۲۴ نفر از ازانگان این روستا از منوچهر قوامی شکایت کردند. بنصرف خود درآورده است. یکی از شاکیان می‌کند، «ما حاضرمی زمینها به بیت‌المال تعلق کرده، ولی در دست کسی که به ما ظلم کرده است نیفتد».

زمین‌های زیرسد داریوش ماس خود دهقانان است

روز ۱۳ تیرماه روستائیان زمینهای زیرسد داریوش برای آزادی روستائیان گرد آمده‌اند. این روستائیان چنین اظهار می‌داشته‌اند، «ما مدت‌هاست صاحبان زمینها هستیم و حتی برای ما زمین این زمینها سند داریم. به تازگی ما مالک سابق این زمینها را نیز می‌بینیم. زن عبدالله خان بهبانی، برای تصرف زمینها اقدام کرده و یکی از روستائیان را در شیراز به اسم ضد انقلابی دستگیر کرده‌اند. آن پس «گوشه» به بهر حاحانه‌ترین شکلی بر اشتیاق مضموم اما به تعریف کنیده شده نمایش‌روستان حاکم شد. بی‌چیزترین افشارجامه، سالیان دراز مزدکلان تحموق و تحقیر بود را که جیب‌کارها و شیوادمندان می‌فروشند. نتیجتاً این کودکان را به عنوان یک حربه مؤثر فرهنگی، توده‌ها را به هرز آباد واقع گریزی، خیالیسانی و توهمیدی گمان زد و آن‌ها را از توجه به واقعیات ویرانگر خانه برانداز اجتماعی منحرف آنان تضعیف انقلاب است.

روستائیان زندآباد (اهر) تصمیم گرفته‌اند از حق خود دفاع کنند

رونوشت نامه‌ای، با چندین امضاء و دهها امضاء انگشت، به دفتر «مردم» رسیده است. در این نامه روستائیان زندآباد، در حوالی اهر، می‌طلبند که «جهت جلوگیری از شایع شدن حق مسا زحمتکشان، به خواسته‌های ما رسیدگی و عوامل طاغوت را بسزرای اعمال خود برسانید». آنها چنین توضیح میدهند، «در سال ۱۳۴۷، نصرت‌خان مکنانی و رشیدخان قلی‌بیکلو و فرزندان شان در مقابل رشوه بدولت و اداره چنگلبانی و منابع طبیعی، مرتع ه ما را تصرف حشم‌های خود زد آورند. در مقابل اعتراض ما در آن تاریخ، ۸ ماهین سر باز از اهر فرستادند و تهدید کردند که این دستور دولت است و باید اجرا شود و اگر اعتراض کنید پدران را در می‌آوریم. ما آن‌زمان از ترس طاغوت و همچون کتیب ترس‌ناهای مذکور، به سوسله طاغوت مسلح شده بودند، نتوانستیم در مقابلشان از حق مسلم خود دفاع کنیم. تا اینکه امسال، بارهبری قاطم‌انه امام خمینی و مشغله‌های آهترین مردم ایران، طاغوت‌سز تگون شد. ما اهالی دهم تصمیم گرفتیم از حق خودمان دفاع بچرا و لگران زور گویان دفاع کنیم و چندین بار هم به‌داد گستری و پاسگاه‌انداز مرمی شکایت دادیم، ولی آنجا که نصرت‌خان و رشیدخان نفوذ زیادی در این ادارها دارند، برخواست‌های ما جواب نداده‌اند و ما مجبور شدیم با توکل به‌داد، مرتع‌افزاد حق خودمان را که ما مالک با رشوه و زور تصرف کرده و اهالی را بدوزگار سپاه نظامی بود، خودمان محافظت کرده و استفاده کنیم. این عملاً خنایهای غاصب را ناراحت کرده و روزی نسبت کارگروه‌ای به طرف اهالی زده‌اند. در اثر این عمل ناچوا نمردانه آقای ولی دانشندی توسط لیر مطلب خان، پس نصرت‌خان، زخمی و در بیمارستان شیرزوروشده اهر بستری شده است، که در این مورد به‌داد گستری و پاسگاه‌انداز مرمی شکایت کردیم، ولی ترس از ندادند. ما اهالی از کمیته انقلاب اسلامی شهرستان اهر می‌خواهیم جهت جلوگیری از بسا پمال شدن

توجه به اقتصاد روستائلی ضرورت فوری اولویت دارد

از شیراز گزارش دیگری نیز داریم حاکی از اینکه در دروازه اسفهان شیراز بازاری است که محل خرید روستائیان است. در این محل وضع اقتصادی فرودشان و وضع روستاها بخوبی مشخص می‌گردد. در صحبت باسه نفر از این فروشندگان، یکی از آنها اظهار می‌کند که فروش فرقی نکرده - دو نفر دیگر از بدی وضع شکایت داشته‌اند و علت این وضع را بدی اقتصاد روستائی دانستند. گزارش اضافه می‌کند، بعثت تهلل شدن مؤسسات تولیدی و خرابی وضع روستاهای اطراف شیراز بخصوص از نظر بی‌آبی، تعداد دست فروشان کنار خیابان زیاد شده و ضرورت ایجاد طرحی برای سامان دادن به این وضع احساس میشد. بساط دست‌فروشان جمع‌شده و به آنها قبول تهیه محلی برای کسب و کار داده شده است. این روزها تجیع گروه‌هایی از بی‌دست‌فروشان، که عده زیادی از دهقانان مهاجر هستند، در گوشه و کنار شهر برای رسیدگی به این مسئله بجشم می‌خورند. روز ۳۰/۱۱/۵۸، حدود ۳۰ نفر از آنها در فلکه شهدا (شهرداری سابق) گرد آمده‌اند. یکی از آنها می‌کند، «آب نیست، آب برای خوردن گور نمی‌آید، شخص دیگری گفت، «تا دیروز ما کار می‌کردیم، اگر می‌توانید امروز شما بر باد کنید». روز ۳۱/۱۳/۵۸، عده‌ای دیگر در بارکشهر گرد آمده‌اند. طبق قولی که به آنها داده شد، قرارداد هفته بعد محل کار آنها را تعیین کنند. خود این افراد محل ساواک منجمله و با اطراف فلکه شهدا را پیشهاد می‌کردند. در میان این افراد، روستائیان «خلار»، که از زهات کم‌آب شپیراز است، دیده می‌شوند. یکی از روستائیان می‌کند، «به مسا آب هستند، بر میگردیم به‌دهمان».

حقوق ما زحمتکشان بوسیله زور گویان و همانا از خون‌پیزی، که نظیرش هر روز بدست خنای ظالم زبادتسز میشود، اقدام قاطع و انقلابی بنمایاند.

باز هم در باره تشکیل داد گاه‌های رسیدگی به جرائم ضدانقلاب

در ۳ تیرماه، متن لایحه تشکیل دادگاه فوق‌العاده‌ای که باید به جرائم ضد انقلاب رسیدگی کند، انتشار یافت. «مردم» در شماره ۳۲، مورخ ۶ تیرماه، به نخستین بحث انتقادی درباره این لایحه پرداخت و متذکر شد که «از زیای بی‌دقیق و عمیق این لایحه، نیاز به بررسی مفصل‌تر دارد، که مسلماً انجام خواهیم داد». اینک نتیجه این بررسی به‌اطلاع خوانندگان گرامی می‌رسد.

طبق لایحه تشکیل دادگاههای رسیدگی به جرائم ضدانقلاب

بمنظور استقرار حاکمیت ملی و نگاهداری اذیتواردهای انقلاب اسلامی ایران، در مرکز هر استان دادگاهی بنام دادگاه فوق‌العاده رسیدگی به جرائم ضدانقلاب تشکیل می‌شود.

بیشک تصویب این لایحه قانونی، که از سویی به پسران کدگی دادگاههای رسیدگی بجرائم ضدانقلابی در سراسر کشور پساپان می‌بخشد در ارگان قضائی متمرکزی را برای تعقیب و مجازات این نوع جرائم بوجود می‌آورد و از سوی دیگر نمایانگر تصمیم‌جویی انقلاب به مبارزه قاطع با اقدامات خرابکارانه‌ی دشمنان انقلاب است، که پس از گذاندن دوران هزیمت و سرسام سیاسی، اکنون بنحو سازمان یافته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران حاکمیت نیروهای انقلابی خلق عمل می‌کنند، بخودی خود وسیله نیرومندی برای دفاع از دستاوردهای انقلاب مردم ایران و تحکیم حکومت انقلابی خلق بشمار می‌رود، و لذا نمی‌تواند از لحاظ اصول انقلابی مورد تأیید نباشد.

■ ماده ۱ لایحه نشان می‌دهد که منظور از تشکیل این دادگاهها مبارزه باشد انقلاب‌فدال خود از دستاوردهای انقلاب بمنظور تحکیم حاکمیت ملی است.

تصریح این هدفها، درعین اینکه لزوم تشکیل چنین دادگاه های فوق‌العاده‌ای را در اوضاع و احوال کنونی نوجیه می‌کند، محدودیت زمانی، بقاء آنرا نیز می‌رساند.

در واقع آن‌گاه که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تصویب نهائی مردم کشورما برسد و با انتخاب مجلس شورای ملی و دیگر ارگان‌های حکومت انقلابی، حاکمیت ملی مستقر و استوار گردد، متعلق باید و نظای این‌دادگاههای فوق‌العاده به‌دادگاههای معمول گردد که قوه قضائیه انقلابی کشور مارا تشکیل می‌دهند، مگر آن‌که بنابر اوضاع و احوال ویژه‌ای، مجلس شورای ملی هنوز وجود این دادگاههای استثنائی را ضرور بداند.

بهر حال، علی‌رغم ضرورت مثبت عمومی خود، لایحه تشکیل دادگاه فوق‌العاده حاوی ابهامات و نقائمی است که نمی‌توان بی‌تذکر از آن گذشت.

نقص عمده

نخستین نقص عمده لایحه اینست که هیچ‌گونه تعریف جامعی ومانعی از جرائم ضدانقلابی بدست ندهاده است و بهین سبب زمینه رسمی برای سوء تفاهات، تمبیرات و احياناً تا انحراف از هدفهای اصلی وعات وجودی لایحه قانونی فراهم میسازد.

متعلق ضد انقلاب به نیروهای اطلاق می‌شود که دشمن انقلاب هستند و بقصد برهم زدن نظام جدید انقلابی، مرتکب جرائم معینی می‌شوند تا بوسیله آن از استقرار حکومت انقلابی جلوگیری نمایند و ما لا نظام گذشته ارتجاعی و هوادار امپریالیسم را، بشکلی آذاشکل، در باره برکنور سلطت سازند، بنا بر این یک‌سلسله از جرائم عادی، مانند قتل، خرابکاری، سرقت، وسپردن، غارت، حریق، تروار، کشتار، انواع جرائم اقتصادی و غیره دصورتی می‌توانند عنوان جرائم ضدانقلابی پیدا کنند که در چهارچوب این مقاصد سیاسی قرار گیرند و اغلب، طبق نقشه مشخصی، که از جانب دشمنان انقلابی طرح شده‌است، ارتکاب یابند، در صورت فقدان چنین هدف و نقشه‌ای و عدم احراز قصد مشخص ضدانقلابی مرتکب یا مرتکبین ، نمیتوان نفس عمل را ضد انقلابی شمرد. بهینیه است بنا به ملاحظه نگاهداری از دستاوردهای انقلاب، میتوان رسیدگی به برخی از جرائم عادی را، ولو اینکه بقصد و منظور برهم‌زدن نظام انقلابی نباشد، ولی ارتکاب آنها در شرایط مشخصی که هنوز حکومت انقلابی تحکیم نیافته‌است، بقصد تضییع و مصلحت آن لطمه‌وارد میکند ، در صلاحیت دادگاه

فوق‌العاده شمرد. ولی چنین جرائمی نیز باید دقیقاً در قانون مشخص گردد. در غیر اینصورت، هر عمل قابل مجازاتی، بااستاد اینکه موجب زیان مادی و معنوی انقلاب میگردد، میتواند جرم ضدانقلابی تلقی شود در صورت وجود دادگاه استثنائی سیاسی شمرده شود. تردیدی نیست که چنین مفهومی از صلاحیت دادگاه فوق‌العاده، به خودی جان‌شیرین‌ساختن از آن بجای دادگاههای عادی جزائی و لذا نقض فرض است .

■ ماده ۱ لایحه انتشار یافته کوشیده است حدود صلاحیت دادگاههای فوق‌العاده را از راه برشماری یک‌سلسله جرائم مشخص سازد، ولی این تصریحات خود موجب ابهامات دیگری است . این ابهامات، در مرحله اول، از برشماری برخی قوانین ارتجاعی دوران حکومت پهلوی، که بمنظور سرکوب افراد یا احزاب مخالف رژیم گذشته وضع شده است، ناشی میگردد.

در واقع، طبق ماده ۴ لایحه، رسیدگی به «کلیه جرائم پیش‌بینی شده در میحبت اول و دوم باب دوم و فصل دوازدهم از باب سوم قانون مجازات عمومی و قوانین سایر قوانین» در

مردم حق دارند واقعیات را بدانند

آگاهی از آنچه میگذرد، برای مردم نه تنها لازم بلکه حیاتی‌است، این‌نیاز وخواست انسان معاصر است، توسعه قول‌آسای و مسائل ارتباط جمعی (رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، مجلات و انتشارات مختلف) همگی مهر تأیید بر این‌خواست انسانی میزند.

نظفه این آگاهی‌را اخبار مربوط به رویدادهای تشکیل میدهد و آنجا که سدی بشکل پاشنه آهنین دیکتاتوری مانع بخش اخبار موقت و در نتیجه به بی‌خبری مردم میشود، داغ نشکین اختناق بر پیشانی جامعه می‌نشوند و آنجا که از شرایط آزاد بخش اخبار و رویدادها سوءاستفاده میشود تا جامعه به انحراف کشیده شود، مهر خیانت به آزادی مردم، روی پیشانی سوء استفاده‌کنندگان جای دارد.

آموزه‌ای از احساس مسئولیت در برابر جامعه آزوسی دست اندرکاران و ساکنان ارتباط جمعی انزویی و فراهم‌بودن شرایط آزاد بخش اخبار رویدادها انزوسی حکومت‌کنندگان شرایط مطلوبی‌است که هر جامعه‌ای بدان نیازدارد. و از آنجا که ایران در عرصه جهان تاقه جدا بافته‌ای نیست، ایسن شرایط بر این‌ایران نیز نه تنها مطلوب، بلکه باشرایط انقلابی که برکنشور حاکم است، حیاتی‌است.

آگاهی مردم درگرو این‌حسن‌نیت است و این‌آگاهی زمانی به آگاهی انقلابی و به نیرویی بنمون پاسدار انقلاب تبدیل خواهد شد که هر رویدادی برای کم‌وکسبت به اطلاع مردم

رسانده شود و روابط علت و معلول آن نیز با دیدی واقعی و جدا از تنگ‌نگظری و انحصارطلبی بررسی و تفسیر گردد.

ایران در یروز (قبیل از پیروزی انقلاب) در زمره کشورهایی بود که مهرباختناق بر پیشانی آن ج‌سای داشت و ایران امروز (بعد از پیروزی انقلاب) شرایط آزاد انتشار اخبار و رویدادها و تفسیر واقعی آنها و احساس مسئولیت منتشر کنندگان اخبار رویدادها را طلب میکند.

دایران امروز، در رژیم حاکم انقلابی، در خدمت گرفته بود تا مردم را نا آگاه به آنچه در ایران میگذشت، نگاهدارد و با استفاده از همین نا آگاهی، ایران را به تاراج دهد. اما دایران امروز، در ایران انقلابی، مردم به حق انتظار دارند که از همه رویدادها، درستی مطلع شوند و تمام دست اندرکاران حکومتی نیز موظفند نقطه نامعلومی برای مردم در ارتباط با رویدادها باقی نگذارند.

بحث بزرگ روزنامه‌ها و مجلاتی نیست که نقش نفاق‌افکن و تحریف‌کننده دارند و با جهت‌گیری خصمانه با هر رویداد انقلابی و مردمی روبرو می‌شوند. اگر چه در همین زمینه نیز مسامحه دست اندرکاران دولتی در کار کوتاه سازی دست عناصر مشرک و وابستگان رژیم گذشته از وسائل ارتباط جمعی مشهود و قابل انتقاد است. بحث بر سر آگاهان ارتجاعی دولتی است و اینکه چرا مردم را عمیقاً در جریان آن می‌کند، نمی‌گذارند؟ همه نغمه‌ها در این زمینه وجود دارد، که به عدل یا غیر عدل، مردم در جریان درست رویدادها گذشته نشده‌اند.

این‌هشدار ما را هم، مانند سایر هشدارها، باید مورد توجه جدی درآورد، که نا آگاهی مردم و بی‌اگرمه ساختن مردم بسود ضدانقلاب است و بر عکس، آگاهی مردم و توجه مردم بـر ای مبارزه متحد علیه ضدانقلاب، تنها راه عقیم ساختن توطئه‌های ضدانقلاب است.

طبقه‌کارگر، که خود یکی از ارکان اساسی انقلاب خلق بشمار می‌رود، نه تنها قادر است تن به چنین تحریکاتی ندهد، بلکه با رشد درجه آگاهی سیاسی و انقلابی خود، بخوبی میتواند در برابر اقدامات «إخلاف‌گرانه ضدانقلاب باسیست و محرکین ضدانقلابی» از درقنای کارگر و هم‌زنجیران خود بازماند.

حزب توده ایران، وظیفه خود میدانده که از شورای انقلاب لغو این ماده ضد کارگری و ضد دموکراتیک را، که معارض با اهداف اعلام شده انقلاب است، بخواهد و اجازه ندهد که با سوء استفاده از این قبیل مواد نسجیده، آب به آسیاب دشمنان انقلاب ریخته شود.

انتقادات ما به این لایحه منحصر به چند مورد عمده‌ای که ذکر شده، نیست. بر سر بی‌دقیق لایحه قانونی دادگاه فوق‌العاده، چه در مورد اصول دادرسی و چه درباره نفس جرائمی که در قلمرو صلاحیت دادگاههای مزبور قرار داده شده‌است، نقائمی اندکی را نشان نمیدهد. از سویی برخی از مواد این لایحه به پیش نویس قانون اساسی، که به تصویب شورای انقلاب هم رسیده‌است، تضامرضد جدی دارد و از سوی دیگر مجازات برخی از جرائم مذکور در این قانون، طبق قوانین گذشته تمهین گردیده، درحالی‌که بعضی دیگر درخود این قانون معین شده‌است و مجازات دسته سوم نه در این قانون پیش‌بینی شده و نه بموجب قانون دیگر قابل مجازات شناخته شده‌است، مانند بدهدای (ب، د، و) از ماده ۴ لایحه.

حزب توده ایران پیشنهاد میکند که برای رفع ابهامات و نقائمی این قانون، هر چه زودتر در این قانون تجدید نظر بعمل آید و اصلاحات لازمه بوسیله شورای انقلاب منظور گردد. هر قدر ایسن قانون دقیق‌تر و روشن‌تر شود، بیشتر میتوان به هدفهای مبارزه با ضدانقلاب کمک برساند.

ضد انقلاب فعالیت خود را در کردستان تشدید میکند

حوادث و وقایع غیرمطلوب، به‌درپی منطقه نا آرام کردستان در امتنیح و آشفته‌تر میسازد. عناصر مرتجع، راهزن و ضدانقلابی، که مسلح نیز هستند، در نقاط مختلفی چون سنندج، نقده، جلدیان، مهاباد، میروان و با نه‌خاده می‌آفرینند و برادر کشی رامی‌اندازند.

واقعه میروان و محاصره پاسگاه سرور را باید گام تازه‌ای در جهت خواست ضدانقلاب و بر علیه منافع خلق کرد تلقی نمود.

هدف میروان این فاجعه در کردستان و در نقاط دیگر انبات این مدعا و نیل به این هدف ضدانقلابی است که وسیع‌الخطی ایران‌ترا برقیات جلوه دهند و از اعتبار و جاذبه انقلاب ایران بکنهند.

ضدانقلاب در کردستان چنان گوناگون و درهم پیچیده است که اگر در شناختن یک‌یک عناصر آنها توجه کافی نشود، مبارزه با آن دشوار میگردد. وظیفه‌همه نیروهای انقلابی در کردستان این‌ضرورت تاریخی را ایجاد میکند که با سلاح و کوششی بی‌کسر فشار تیره، بدین‌منگه و عدم تفاهم راکه بر کردستان سایه‌گسترده، بضائی بسا حس‌نیت و ناهنجاری مهمل کنند، تا بفران آنچه‌هه ضدانقلاب، که هر روز زیر نقابهای گوناگون به توطئه و تحریک می‌پردازد، برده بر گرفت.

هدف ضدانقلاب تیره‌نمونن روابط نیروهای مترقی با دولت

موقت و ایجاد افتشاش و در نتیجه تحریف و مخدوشی کردن و دگرگون دانمودن کردن حقیق ارتح بر خلق کرد، یعنی **خود مختاری در چارچوب ایرانی آزاد و مستقل است.**

دولت موقت و مقامات رهبری انقلاب کرا را به حقوق ملی همه خلفهای ایران اشاره کرده و خواست ملی آنها را بر حق وعادولانه و قانونی دانسته‌اند. خلق کرد در طول تاریخ از نظر اجتماعی و سیاسی بر اقتصادی و میراث فرهنگی با تمامی خلفهای ایران در پیوند نزدیک بوده و منافع مشترک و همگونی داشته‌وارد. بدون تردید منافع مشترک و ملی این‌خلفها در اتحاد و اتفاق و در چارچوب جنبه‌ایفائی واحد، بهتر و کاملتر تأمین و تضمین میشود و از این‌رو برآکنده‌گی و افتراق و بطریق اولی رودررو قرار گرفتن آنان، به نفع هیچ‌یک از این خلفها، ویژه در شرایط حادثه‌گردی نخواهد بود. اتحاد و یکپارچگی شرط ضروری پیروزی در مبارزه ضد امپریالیستی است که انقلاب کشورمان با آن درگیر است و این وظیفه میرم و تاریخی همه نیروهاست که امپریالیسم را می‌شناسند و برکنیه در زمانه‌ای که عناصر سوری‌ناپذیر امپریالیسم با هم فرقی ندارند. پیروزی انقلاب ایران درگرو این اتحاد خلل‌ناپذیر و یک‌پارچگی همه خلفهای ایرانست. حوادثی که در نقاط مختلف کردستان گذشته است، باید بقدر کافی روشنگر اوضاع و احوامت آن باشد.

واقعه میروان و پاسگاه سرور

واقعه میروان و پاسگاه سرور آخرین فاجعه این‌درام دردناک است که بنست عناصر مشرک و ضدانقلاب بر روی صحنه آمد. در میروان دفتر جمعیت فدساع از زحمکشان وجود دارد، همچنین «**اتحادیه خواستاران حقوق ملی خلق کرد**»، که وابسته به «شورای هماهنگی جمعیت‌های کردستان» بود و جمعی از همه نیروها و گروه‌های مختلف را تشکیل میداد، فعالیت میکرد. ولی «شوراهای هماهنگی...» بررودر صحنه مبارزه ساساک از چهره بر گرفت و چهره‌گریه ما تو نویستی خود را نمایان ساخت. از اینجهت سازمانها و گروه‌های سالم از «شورای هماهنگی...» جدا شدند. «به‌یکه‌تی-داوکاران نیز، در نیمه اسفند ساه، در یکی از روستاهای میروان، با شرکت اهالی ده روستا لشریه خود را بنام «به‌یکه‌تی-جوتیاران» بسا صدور اعلانیه معرفی نمود. ظاهراً وظیفه

گروه‌های ما تو نویستی فدساع از حقوق زحمکشان خلق کرد در برابر فوئدالها حمایت از دولت و انقلاب اسلامی است. درکنسار این گروه‌ها، اکنون معلوم است که کمیته اسلامی طرفدار آقای مفتی‌زاده و همچنین جمعیت «مدرسه قرآن»، که از سال ۵۴ فعالیت خود را آغاز کرده‌است، وجود دارند. بازاریان می‌توج، روحانیان معصب و وابسته به نظام سابق و فرزانگان فوئدالها در جمعیت «مدرسه قرآن» فعالیت دارند. عده‌ای از سازدگان و عناصر فاسد نیز خود را میان آنها جا زده‌اند. در مجموع، این جمعیت در نظر مردم میروان، جمعیتی ضد انقلابی و مرتجع بحساب می‌آید و برای تکمیل مطلب باید اضافه کرد که این جمعیت نیز از نظر فاداران آقای مفتی‌زاده است .

در روز ۲۳ تیرماه ، بنا به دعوت «به‌یکه تی جوتیاران ، اتحادیهٔ زنان و عده‌ای از جوانان افراطی، در ساعت ۱۰/۵ صبح ، یک راه پیمایی با شرکت دوسه هزار نفر، از دزبیرستان فرعی میروان آغاز می‌شود. نمدادی افراد مسلح، که بخشی از آنها متعلق به «جوکه تی تهرادر» بود، از مسوف راه پیمایان مراقبت می‌کردند . راه پیمایان شمارهایی در مخالفت با تشبیهی‌ای دولت از فوئدالها و همچنین شمارهایی در مخالفت بسا قیادهٔ موقت همراه داشتند و در شماری دولت موقت را «استعمار» خواندند. در ساعت ۱۱، شرکت کنندگان در راه پیمایی، در موشسهٔ رادیوسو تلویزیون، بشواندن قطعه‌نامه مشغول بودند. هم‌زمان با آن، پیش می‌گها وسایر نیروهای مسلح، پیرامون ساختمان ساواک، که نیمه تمام‌است، دربروی رادیو تلویزیون موضع گرفته بودند. در بیستم تیرماه ، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز، که با آقای مفتی‌زاده در ارتباط مستقیم هستند، در همان ساختمان مستقر بودند.

جمعیت پس از نمایان قطعه‌نامه، سمت شهر در حرکت بود. در این هنگام، شخصی بنام «رشید اورامی»، فرش فروش، که به سه فرزندش همگی مسلح بودند، مردم را تحریک به حمله بساختمان ساواک و دستگیری پاسداران میکرد. جمعیت بهنگام عبور از تکمار ساواک شاره‌میداد، «هاتنازک وتوپ و هواپیما دیگر را با بسا را نجات نخواهد داد» ، در این‌موقع نمدادی از راه پیمایان اصرار داشتند که جمعیت بطرف شهر حرکت نماید و گروهی نیز براه افتادند . ولی بخشی، که بیشتر آنها زن بودند، همچنان درجای خود باقی ماندند.

اکشایش دفتر حزب توده ایران در آمل

دفتر حزب توده ایران در شهرستان آمل آغاز به کار کرد و باین ترتیب حزب توده ایران به‌طور رسمی فعالیت علیی خود را در این شهرستان از سر گرفت.

رئقای حزبی ما در آمل در اعلامیه‌های که به‌عین مناسبت منتشر کرده‌اند، نوشته‌اند، و با تأیید رهبری قاطعانه امام خمینی و جامعه روحانیکه مترقی، آمادگی این سازمان را در حفظ دستاوردهای انقلاب مقدس ملت ایران و تحکیم مبانی جمهوری اسلامی، که ضامن تأمین استقلال اقتصادی و سیاسی و حافظ آزادیهای فردی و اجتماعی باشد، در شهرستان آمل اعلام میداریم.

به دنبال کشایش دفتر حزب توده ایران درخیا بان ایران ، روبرویی دادگستری آمل، یکی از گروهک‌های ما تو نویستی، که از درخشش حزب طبقه‌کارگر ایران در شهر آمل به‌هراسی آفتاده و دریافته است که در پیان روزبیر تابش خورشید درخشان حزب توده ایران، مجبور است چون موش‌کور به کورینا ببرد، و لذا انتشار فضخنامه‌ای به‌خیال خودش می‌کند که فعالیت‌رئقای مارا خنده‌دار کند.

این گروهک، که مانند دیگر گروهکهای امپریالیستی به بانده خرابکاری تبدیل شده و هم‌دوش ساواک علیه انقلاب ایران فعالیت میکند، بشرمانه در اعلامیه خود از حکومت کنونی ایران چنین یاد میکند، که حکومتی که چیزی جز تسلط مجدد امپریالیسم ارتجاعی را بدینال ندارد... و در پی آن باورهای را که طی ۲۵ سال‌ها خانن در باره حزب توده ایران می‌کند، ردیف میکند و در پایان، البته دربرده ، بسا زمان جریکهای فدائی خلق هم‌می‌تازد و باین ترتیب وظیفه ما تو نویست‌ها، که سپاهش علیه نیروهای انقلابی باشد، عمل میکند .

ما کیشایش دفتر حزب توده ایران را در آمل ، به رئقای خود در این شهر صمیمانه تبریک میگویم، و مطمئن هستیم که تمام نیروها و کیه به‌تجارب درسیال حزب توده ایران، حزب طبقه‌کارگر ایران، حزب خودشان، در راه بهروزی توده‌ها خواهند کوشید.

برای تأمین مسکن باید برنامه جامع داشت و کمک مالی داد

چندی است که گروهی از مستأجرین، که دیگر تحمل و استطاعت اجاره‌نشینی را نداشته‌اند، در چند نقطه تهران خود را سا اقدام به تقسیم زمین برای ساختن خانه نموده‌اند. یکی از نقاطی که این عمل در آن انجام گرفت، به باهای شمال تهران پارس است. این زمینها متعلق به پلارم‌رضا پهلوی و ایلخان‌نسان است. مردم زمین‌ها در قطعات ۱۵۰ تا ۳۰۰ متری تقسیم کرده و با گنج رنگه مشخص نموده‌اند و گروهی دیگر بسا کمک خود و خانواده مشغول کشیدن دیوار و ساختن خانه شده‌اند. جالب اینکه مردم، بدون نقشه، خود در طرح این شهرک، جای‌بانی‌بندی و پارک نیزدر نظر گرفتند.

با اینکه پاسداران کمیته‌ها تاکنون چندین بار از تقسیم زمین‌ها و ساختمان سازی در این منطقه جلوگیری کرده‌اند، ولی مردم کماکان به تقسیم زمین‌ها مشغول اند و هر بار که ماموران کمیته از راه میرسد، بصورت کذب بطرف آنها رفته و مشکلات خود را با آنان در میان می‌نهند. کمیته محل نیز قول مساعد داده است تا زمین‌ها بصورت رسمی تقسیم گردد.

گزارشگرکی که این خبر را برای مردم، فرستاده اضافه میکند، که این عمل مردم از بی‌عملی دولتی ناشی میگردد. قبلاً اینکه مردم خود مباردت به چنین عملی نمایند، که در صورت ادامه، نوعی هر چه مورچ خواهد آفرید و چه بسا در آن صورت ایجاد امکانات رفاهی از قبیل آب و برق در این مناطق برای دولت مشکل باشد، شایسته بود دولت و شهرداری تهران طرحی جامع تهیه و نقائمی که برای ساختمان مجاز است، مشخص می نمود، داشتن نقشه مدون و درازمدت و دادن امکانات مالی توسط دولت جهت ساخت هر چه سربین خانه، از وظایف فوری دولت است.

از انتشارات	
حزب تودهٔ ایران	
منتشر شد:	
۱ - ترجمه جدید	
۱۱ نفر از بارفروردین	
۱۴ نفر از محمد پسر	
۲- ما تا بیستم تاریخی	
(کتاب دوم) تألیف امیر نیک‌آئین.	
بزودی منتشر میشود:	
ما تا بیستم یا اکتبک	
(کتاب اول) تألیف امیر نیک‌آئین.	
از کمکهای رفقا و دوستان	
سپاسگزاریم	
۱۷۶ نفر شیراز ۷۰۰۰	ریال
۵ نفر از شیراز ۵۰۰۰	»
۶۰۰۰	»
۱۴ نفر شیراز ۵۰۰۰	»
۱۰۰۰	»
۱۰۰۰	»
۱۳ ساله (پسر) انداز خود را	»
پدرخانه است) ۱۱۶	»
۹۶۳	»
۵۰۰۰	»
۱۰۰۰۰	»
۶ سوله‌ای که	»
موجودی خلق خود را در بانک	»
تاکنون به حزب پرداخته است)	»
۲۰/۰۰۰	»

مقدمات توطئه در خلیج فارس بمنظور هموار کردن راه تجاوز آینده آمریکا

ضد انقلاب با جسارتی بیش از پیش سر برداشته و در کنار تهیه مقدمات توطئه‌های تازه بنامه است. در داخل کشور گروه‌های تروریستی تربیت شده سازمان امنیت جنورانه در هر کجا دستشان برسد، دستبند می‌زنند، تا آنجا که بتوانند آشوب برپا می‌سازند، در مرکز، در استانها، در نقاط مرزی دست به حمله و کشتار می‌زنند تا بین توده‌های مردم ایجاد سراسیمگی و اضطراب کنند. در خارج از کشور، از سرحادات غربی گرفته تا قاهره و تل‌آویو، از طریق تربیت تروریست و خرابکار، انقلاب بزرگ ما را تهدید می‌کنند.

آزادی بخش فلسطین.
لای این توطئه بقدری باز است که در همان روز پیش «هشدار» وزارت خارجه آمریکا (۲۹ تیرماه) روزنامه‌های ای‌ام‌کی، انکت بر روی عاملین توطئه گذاشته و در شماره‌ی هفتم روز خود این توطئه را به‌راستی ساخته است.

خبرگزاری یونایتد پرس از کویت خبر داده است که «یک روزنامه کویتی ایالات متحده راجع به سرگرم چندین برنامه‌هایی برای ربودن ناوگرهای نفتکش در تنگه هرمز است تا از این طریق دست‌آویزی برای اشنال میدانهای نفتی خلیج فارس پیدا کند. روزنامه ای‌ام‌کی در سرفاله‌ای نوشت، ما نمی‌توانیم این احتمال را رد کنیم که سیای آمریکا مشغول استخدام تروریستهای حرفه‌ای برای انجام چنین وظیفه‌ای (ربودن نفتکش) است.»

این تنها یک احتمال نیست. امپریالیزم آمریکا که یک منبع درآمد فوق‌العاده هنگفت (سالانه در حدود ۲۵ میلیارد دلار) را به‌دست انقلاب ایران از دست داده است، برای اعاده غارتگری‌های گذشته، از هیچ تبه‌کاری و هیچ عمل ضد بشری روگردان نیست. برای دستگاه‌های جاسوسی ساواک-موساد-سیا اشکالی ندارد که برای چسباندن این توطئه به سازمان آزادی بخش فلسطین و یا بقول خودشان تروریستهای فلسطینی، از بین تبه‌کاران عرب ساکن کشورهای دوست آمریکا، عده‌ای را برای اینگونه عملیات تربیت و آماده کرده باشند، تا بدنبال آن، دخالت‌های تبهکارانه خود را در خلیج فارس توجیه کنند.

«هشدار» وزارت خارجه آمریکا به کشتی‌های نفتکش در حقیقت هشدار است به‌دولت ایران، برهبری انقلاب، به‌تمام سازمان‌های اصیل انقلابی. این هشدار از زرفای توطئه‌ی نوین دشمن-دشمن داخلی و خارجی-حکایت می‌کند و مستلزم هشدار انقلابی، قاطعیت و آمادگی برای مقابله با هر اقدام تخریبی از طرف این دشمنان سوگند خورده است.

بیش از این، برای خنثی کردن دسیسه‌های رنکارانک دشمن، ما امروز بیش از هر زمان نیازمند وحدت، نیازمند تشکیل جبهه واحد، نیازمند تدوین یک برنامه مشترک در زمینه مقابله با دشمن، قطع نظر از هرگونه اختلاف ایدئولوژیک هستیم. نظیر این هشدار در زمان شادروان دکتر مصدق بارها و بارها از طرف ما داده شده، ولی عوامل نفاق افکن می‌کوشیدند تمام تلاش‌های ما را خنثی کنند. ما امیدواریم که آموزه‌ها را با دید دیگر مجبور نباشیم بیازمائیم.

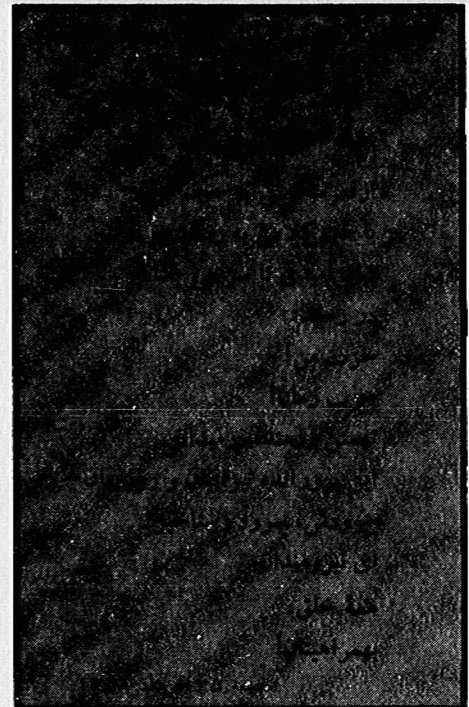
امپریالیزم آمریکا، این بزرگترین و خونخوارترین دشمن آزادی خلق‌های جهان، که از انقلاب پیروزمند ما بیش از تمام قدرتهای امپریالیستی ضربت دیده است، از همه برآشفته‌تر است و از همه بیشتر چنگ و دندان علیه میهن‌ها و انقلاب ما ترمز می‌کند و خود را برای تهیه زمینه دخالت مستقیم، اگر نه در داخل ایران، حداقل در منطقه خلیج آماده می‌سازد و این توطئه با مشارکت عمال ساواک و بازماندگان رژیم سابق، سازمان جاسوسی سیا و سازمان جاسوسی موساد تدارک می‌شود.

سازمان دادن نیروی ضربتی یکصد و ده هزار نفری، که بقول روزنامه‌های امیکالی و خبرگزاری‌های خارجی، می‌تواند به‌فاصله ۲۴ ساعت در نقاط مورد نظر وارد عملیات نظامی بشود، در مرکز این توطئه قرار دارد و تقریباً تردید نمی‌توان داشت که این نیرو از بین فاسدترین، و اما نده‌ترین و شرورترین افراد، که پای بند هیچک از موازین اخلاقی و انسانی نیستند دست‌چین شده است.

هنوز چند روزی از انتشار خبر تشکیل این نیروی ضربتی نمی‌گذرد که ناگهان، با «هشدار وزارت خارجه آمریکا به نفتکش‌ها و کشتی‌هایی که در خلیج فارس در حرکتند»، بمشابه یک نعل وارو دوبرو می‌شویم، در این اعلامیه از حادثه قریب‌الوقوعی که حتی روز و ساعت آن نیز با دقت پیشگویی شده است، سخن به‌یاد می‌آید و گفته می‌شود:

«وزارت خارجه آمریکا به نفتکش‌ها و دیگر کشتی‌ها هشدار داد که احتمالاً تروریست‌ها در نزدیکی خلیج فارس برای ربودن یا انهدام کشتی‌ها کوشش خواهند کرد. وزارت خارجه آمریکا طی اعلامیه‌ای به‌تمام کشتی‌هایی که در خلیج فارس حضور دارند، اخطار کرد که اطلاع حاصل کرده است تروریست‌ها طرح حمله به نفتکش‌ها و یا کشتی‌ها را تهیه کرده‌اند... در پیانه‌ی وزارت خارجه آمریکا آمده است که «طبق اطلاعات حاصله می‌توان انتظار داشت چنین اقدامی احتمالاً در روز ۲۳ ژوئیه بوقوع بپیوندد. دولت‌های غربی از مدتی پیش تنگه هرمز را یک گذرگاه تهدیدآمیز دانسته و از این می‌ترسند که در این آبراه، خطرانی نفتکش‌های عازم غرب را تهدید کند...»

این بیانه، با گویاترین بیانی، حاکی از توطئه‌ای است که طراحان سیاست خارجی آمریکا و سازمان سیا، با دستکاری سازمان صهیونیستی موساد و بازماندگان ساواک در صدر تدارک و اجرای آن هستند. هدف از این توطئه، سرهم کردن پهانه‌ای است برای مداخلات «نیروی ضربتی آمریکا» در خلیج فارس و تنگه هرمز و متوجه ساختن مسئولیتی که از این توطئه ناشی میشود، به سازمان



سه مورد از ابهامات سیاست خارجی، که نیازمند توضیح اند

آقای دکتر یزدی، وزیر امور خارجه، در مصاحبه روز ۲۷ تیرماه، از جمله اظهار داشت: «در سیاست خارجی ابهاماتی هست ما وظیفه خود میدانیم که در این باره توضیح بدهیم.»

واقعیت اینست که در سیاست خارجی ابهامات بسیار است و ما در این مقال سه مورد مشخص را، که نمایشگر مقطعی از نحوه عمل وزارت امور خارجه است و نیازمند توضیح است، مطرح می‌کنیم.

روابط دیپلوماتیک ایران و کوبا هنوز تجدید نشده است. این روابط، چنانکه میدانیم، به اشاره واشنگتن و بدست شاه مخلوع، به‌بانه ابهام‌ناهی، قطع شد. پس از اوگون شدن رژیم دست‌نشانده، شاه مخلوع و پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و استقلال بخش ایران، قاعدتاً و طبعاً میبایستی روابط دیپلوماتیک با کوبا، که کشوری است درجه‌ی ضد امپریالیستی، بیدرنگ مجدداً برقرار میشد. علاوه بر این، کوبا مؤثران کنفرانس کشورهای غیرمتحد است و دولت اعلام کرده است که عدم تهیه از مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است و بر این مبنا و نیز بر اساس طرح عضویت ایران در کنفرانس کلمبو واقعاً می‌بایستی هیئت نمایندگی ایران، برای تصویب نهایی عضویت در جرگه کشورهای غیر متعهد، به کوبا اعزام گردد.

ناگفته پیداست که اگر روابط دیپلوماتیک بین ایران و کوبا برقرار نباشد، عزیمت هیئت نمایندگی ایران به کوبا زیر علامت سؤال قرار خواهد گرفت و ظاهراً همین دلیل نیز وزیر امور خارجه، در همان مصاحبه، عزیمت هیئت نمایندگی ایران را قطعی و یقین اعلام نداشت، بلکه اظهار کرده است: «با احتمال بسیار زیاد هیئت ارسوزی ایران در کنفرانس هاوانا شرکت خواهد کرد.»

بدینسان در مورد رابطه دیپلوماتیک با کوبا دو سؤال مطرح میشود که نیازمند توضیح است، اول اینکه چرا تاکنون روابط دیپلوماتیک با کوبا برقرار نشده است. دوم اینکه چرا شرکت ایران در کنفرانس هاوانا قطعی و مسلم نیست؟ برقراری روابط با لیبی نیز دچار تعلیق است. لیبی کشوری است درجه‌ی مبارزات ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی، طرفدار احقاق حق خلق فلسطین، اینها همان مواضعی است که جمهوری اسلامی ایران نیز اتخاذ و اعلام داشته و بنا بر این طبعاً مناسبات در کشور در زمینه سیاست خارجی باید مناسبات بسیار خوبی باشد. ولی هنوز معلوم نیست بچه دلیل روابط دیپلوماتیک بین دو کشور برقرار نشده است. اینهم ابهام و سؤال دیگری است که توضیح می‌طلبید.

۱۸ اردیبهشت خبرگزاری رسمی ادارات متحده عربی اعلام کرد که ایران و جمهوری دموکراتیک خلقی یمن موافقت کرده‌اند با یکدیگر روابط دیپلوماتیک برقرار کنند. این خبرگزاری، به‌نقل از یک مقام جمهوری دموکراتیک خلقی یمن، که در کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی شرکت کرده بود، افزود که محمد صالح وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک یمن اظهار داشته است که برقراری

ضد انقلاب یک کتابفروشی را در شبستر غارت کرد

چهار ششبه بیستم تیرماه، عناصر مشکوک با تحریک احساسات عده‌ای متعصب، یک کتابفروشی را در شبستر غارت کردند. ماجرا با این ترتیب اتفاق افتاد که وقتی هواداران چریک‌های فدائی خلق فیلم دانشکده‌های من را نمایش میدادند، عناصر مشکوک دست به تحریک زدند و شروع به دادن شعارهای ضد کمونیستی کردند. سپس با همراهی

روابط دیپلوماتیک بین دو کشور، پیش از ۱۵ ماهه (۲۵ اردیبهشت) اعلام خواهد شد. بدینسان تاکنون قریب دو ماه و نیم است که برقراری این روابط به‌تعمیق افتاده است. چرا؟ سیاست خارجی هر دولتی ادامه سیاست داخلی آن است. سیاست خارجی گسختن سیاست داخلی در رابطه با دیگر کشورها است. انقلاب ایران انقلابی است ضد امپریالیستی که بخاطر تأمین استقلال کشور رهائی آن از نفوذ غارتگرانه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا انجام گرفته است. بنا بر این سیاست خارجی کشور ما اکنون دیگر میبایستی سیاست ضد امپریالیستی باشد که یکی از مظاهر آن، برقراری روابط حسنه با کشورهاییست که آنها نیز در جبهه ضد امپریالیستی قرار دارند. پس بجهت دلایل برقراری روابط دیپلوماتیک با کوبا، لیبی و جمهوری دموکراتیک یمن دچار تعلیق یا وقفه شده است؛ مادر انتظار توضیح این ابهامات ارسوزی وزارت خارجه هستیم.

کتابفروشی راهم به‌سرفت بردند. زنی که هنگام غارت کتابفروشی، با فرزندانش برای خرید کتاب آمده بود، وقتی متوجه یورش آنها شد، در حالیکه از ترس به‌حالت غش افتاده بود، فریاد می‌زد: «ساواکی‌ها را بگیرید... این کار ساواک است. امام این اعمال را نمی‌پسندد.»

بسرانجام گزارش خبرنگار مردم‌آزبختی، از مغازه کتابفروشی فقط مشروبه‌ای باقی مانده است.

**کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است**
هوطنان! رفقا و دوستان!
حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و توسعه جامعه ما، در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله بقدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فداکاری‌های اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما وظیفه‌مان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهایی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقمندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.
کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن‌های ۰۲۲۳۶۹۰۰۹۴۷۳۸ - آگهی‌های خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این، علاقمندان می‌توانند کمک مالی خود را یکی از دو حساب بانکی زیرین بردارند:
۱- حساب بانکی به نام تری‌کی‌منش و به شماره ۳۳۳۳، شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران پلین سابق).
۲- حساب بانکی شماره ۱۱۸۸، شعبه ۳۱۱۰ بانک صادرات

قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود